

## تحلیل فقهی و کیفری امکان قصاص پدر در فرزندکشی با استناد به اصل مصلحت عمومی و تأثیر آن بر بازدارندگی در حقوق کیفری ایران

امین رادمان<sup>۱</sup>

محمد مهدی منتظری\*<sup>۲</sup>

رضا پورقاسمی<sup>۳</sup>

سپهر مریدپور<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۰۱ تاریخ چاپ: ۱۴۰۴/۰۵/۲۸

### چکیده

پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی-تحلیلی به بررسی چالش های معافیت قصاص پدر در جرم فرزندکشی بر اساس ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی می پردازد. یافته های حاصل از بررسی منابع معتبر نشان می دهد که قاعده فقهی «لا یقاد الوالد بانه»، هرچند مبتنی بر روایات معتبر است، با اصول قرآنی (مانند آیه ۱۷۸ سوره بقره)، مصلحت عمومی و ماده ۶ کنوانسیون حقوق کودک در تعارض قرار دارد. همچنین، تحلیل آماری پرونده های قضایی در دهه اخیر حاکی از افزایش ۴۰ درصدی موارد فرزندکشی در ایران است که ناکارآمدی مجازات های فعلی (دیه و تعزیر) در بازدارندگی کیفری را نشان می دهد. این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که آیا معافیت قصاص پدر در جرم فرزندکشی با اصول بنیادین عدالت کیفری و مصلحت عمومی در جامعه مدرن ایران سازگاری دارد؟ و آیا می توان بدون نقض موازین شرعی، الگویی جامع برای اصلاح ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی طراحی کرد؟ در این راستا، با ارائه «نظریه توازن مصالح» از طریق تلفیق پنج قاعده فقهی (لاضرر، نفی سیل، التراحم، حفظ نظام و مصلحت) و بررسی سه سطح تقنینی، قضایی و پیشگیرانه، تلاش شده است به این پرسش ها پاسخ داده شود و از تقابل سنت و مدرنیته عبور گردد. هدف نهایی این پژوهش، ارائه سندی مرجع برای محققان، قانون گذاران و مراجع قضایی است.

### واژگان کلیدی

حقوق خانواده، فرزندکشی، قصاص پدر، کنوانسیون بین المللی کودک، فقه پویا، مصلحت عمومی

<sup>۱</sup> استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آیندگان، تنکابن، ایران. (Aminradman@alumni.ut.ac.ir)

<sup>۲</sup> مدرس گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آیندگان، تنکابن، ایران. (\* نویسنده مسئول: [Montazerimohamadmehti0@gmail.com](mailto:Montazerimohamadmehti0@gmail.com))

<sup>۳</sup> مدرس گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آیندگان، تنکابن، ایران. (Reza.pourghasemi@aihe.ac.ir)

<sup>۴</sup> دانشجوی کارشناسی حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آیندگان، تنکابن، ایران. (Sepymoridpour@gmail.com)

## ۱. مقدمه

قتل فرزندان به دست والدین که به عنوان فرزندکشی آن را می‌شناسیم، از قدیم الایام تاکنون وجود داشته و امروزه در اکثر کشورهای دنیا از جمله کشور خودمان، جرم انگاری شده است. این جرم و گناه نابخشودنی بنا به دلایل مختلفی از جمله فقر، حیثیت، تفکرات نادرست و ... شکل می‌گیرد که امروزه نیز در بین ملت ایران وجود دارد. مسائل مزبور باعث مختل شدن نظم عمومی و سست شدن بنیان خانواده‌ها که ستون‌های اصلی جامعه می‌باشند گشته است. هر خانواده‌ای برای مقابله با این مسائل راه حل‌های مختلفی را در پیش می‌گیرد. عده‌ای مسیر مهاجرت و عده‌ای سازش را (به شکل‌های مختلفی مانند تغییر شغل و گسترش شبکه شغلی و ...) انتخاب می‌کنند. در پی این اتفاقات، متأسفانه عده‌ای، عمل فجیع فرزندکشی را پیش می‌گیرند. اسلام که دین رسمی کشور ما می‌باشد و به عنوان یک دین جامع و کامل که تمامی مسائل دنیوی و علمی و اخروی و ... را تحت پوشش خود قرار داده، این عمل شنیع را به شدت محکوم نموده است. قانونگذاران کشور با استناد به آیات قرآنی، سنت پیامبر اکرم (ص)، با استفاده از اصول و قواعد فقهی سعی نمودند تا تمامی فعل و ترک فعل‌های موجود در جامعه را که مخل نظم عمومی و زندگی مردم می‌شود، مورد بررسی و جرم انگاری نمایند؛ اما با تمام تلاش‌های ستودنی آنان، امروزه این عمل شدت بیشتری پیدا کرده است و با اندکی جستجو در اخبار حوادث، میزان خیلی بیشتری از این خبر را نسبت به سال‌های گذشته می‌شنویم. حال سوال این است اگر فرزندکشی جرم انگاری شده، به چه علت از اول انقلاب تاکنون، روند افزایشی داشته است؟ با توجه به تحولات اجتماعی حال حاضر و اهمیت حفظ سلامت و امنیت جامعه می‌بایست مجازات این فعل ناپسند بازبینی گردد. در این مقاله سعی نموده ایم با استناد به منابع دینی و فقهی، با روش توصیفی-تحلیلی علت افزایش این پدیده را مورد بررسی قرار دهیم و ایرادات وارد بر قانون جرم نامبرده را بازگو کرده و راه حل‌های فقهی-اجتماعی برای آن ارائه کنیم.

## ۲. خانواده

این ادعا که در ادوار مختلف تاریخ، خانواده همواره کوچکترین و اصلی‌ترین رکن تمامی جوامع بوده است ریشه در واقعیت‌های اجتماعی و تاریخی دارد. در اسلام و قوانین کشورمان خانواده جایگاه بسیار ویژه‌ای دارد و حقوق و امتیازات بسیاری برای آن تعیین کرده‌اند. خانواده به عنوان یک نهاد اجتماعی، نه تنها در جوامع سنتی بلکه در جوامع مدرن نیز نقش محوری در شکل‌دهی به ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ایفا کرده است. در جوامع ابتدایی، خانواده واحد اصلی تولید، حفاظت و انتقال فرهنگ بود. با پیچیده‌تر شدن جوامع، این نقش تکامل یافت، اما همچنان خانواده به عنوان هسته اصلی تربیت افراد و تأمین نیازهای عاطفی، اجتماعی و اقتصادی باقی ماند. از بدیهی‌ترین و مهمترین علل وجود خانواده، استمرار بخشیدن نسل بشر و جلوگیری از انقراض انسان‌ها است. در اسلام، خانواده نه تنها یک نهاد اجتماعی بلکه یک نهاد مقدس است. قرآن کریم در آیاتی از جمله در آیه ۲۱ سوره روم («وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً») به اهمیت ازدواج و تشکیل خانواده به‌عنوان منشأ آرامش، محبت و رحمت اشاره دارد. احکام فقهی مانند تأکید بر ازدواج، حقوق و تکالیف زوجین و تربیت فرزندان نیز نشان‌دهنده توجه ویژه اسلام به تحکیم خانواده است.<sup>۱</sup> وجود خانواده و تحکیم آن امروزه بسیار مهم است؛ زیرا در تمامی مسائل یک کشور و در مراتب بالاتر که جهان بین‌الملل باشد، به صورت مستقیم و غیرمستقیم تأثیرگذار است. همانطور که می‌دانید از مهمترین عوامل قدرت و پیشرفت یک کشور یا یک مجموعه، تعداد نیروی انسانی و کیفیت آنها است؛ زیرا رابطه تأثیرگذاری با مسائل

۱ قرآن کریم. (ترجمه فارسی). (۱۴۳۵ ق). سوره روم، آیه ۲۱

اقتصادی، بهداشتی، علمی و ... دارند. این افراد هستند که با معاملات خود مسیر اقتصادی را برای پیشرفت بیشتر هموار می‌کنند، این مردم هستند که با مطالعه، تحقیق و پژوهش، جایگاه علمی یک کشور را بالا می‌برند؛ این مردم هستند که با رعایت بهداشت، کیفیت زندگی در کشور خود و چه بسا در جهان را مطلوب می‌کنند و این مردم، از دل خانواده در می‌آیند. در نظام حقوقی ایران، این اهمیت در قانون اساسی و قوانین مدنی منعکس شده است. اصل ۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران صراحتاً بیان می‌کند: «از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.» این اصل نشان‌دهنده تعهد نظام حقوقی ایران به حمایت از خانواده به عنوان یک نهاد کلیدی برای حفظ نظم و مصلحت عمومی است.<sup>۲</sup> علاوه بر این، قوانین مدنی ایران در زمینه‌هایی مانند ازدواج، طلاق، حضانت و ارث، حقوق و امتیازات ویژه‌ای برای اعضای خانواده در نظر گرفته‌اند تا ثبات و استحکام آن را تضمین کنند.<sup>۳</sup>

### ۲،۱. جایگاه خانواده در قرآن و تأثیر آن بر تحلیل فقهی قصاص پدر

در شریعت اسلامی، قرآن کریم جایگاه والایی برای خانواده قائل شده و احکام متعددی برای حفظ آن ارائه کرده است. آیاتی مانند آیه ۱۴ سوره لقمان (احترام به والدین) و آیه ۲۱ سوره روم (آرامش در زندگی زناشویی) بر اهمیت خانواده تأکید دارند. باین‌حال، در موضوع فرزندکشی، تعارض میان احترام به جایگاه پدر و ضرورت اجرای عدالت کیفری مطرح است. از منظر مصلحت عمومی، قصاص پدر می‌تواند به بازدارندگی جرم و کاهش آسیب‌های اجتماعی منجر شود، اما باید با احکام قرآنی و ارزش‌های اسلامی مانند حفظ نظم خانواده هماهنگ گردد. بازنگری فقهی با استناد به اصل مصلحت می‌تواند راه‌حلی برای این تعارض ارائه دهد.

آیات قرآنی مذکور نشان‌دهنده اهمیت خانواده در اسلام هستند، اما هیچ یک به صراحت به معافیت پدر از قصاص در جرم فرزندکشی اشاره ندارند.<sup>۴</sup> در واقع، قرآن در آیاتی مانند آیه ۱۷۸ سوره بقره («يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ») قصاص را به صورت کلی برای جرم قتل عمد تجویز کرده است، بدون استثنای صریح برای پدر؛ بنابراین، معافیت پدر بیشتر بر اساس روایات و اجماع فقها شکل گرفته است.<sup>۵</sup> باین‌حال، در فقه پویا، اصل مصلحت عمومی می‌تواند مبنای بازنگری این حکم باشد. برای مثال، قصاص پدر در مواردی که جرم او به امنیت عمومی آسیب می‌زند، می‌تواند با هدف بازدارندگی و حفظ عدالت اجتماعی توجیه شود.

در نظام حقوقی ایران نیز، معافیت پدر از قصاص با اصل برابری در برابر قانون (ماده ۳ قانون اساسی) و عدالت کیفری چالش‌هایی ایجاد کرده است. از منظر مصلحت عمومی، اجرای قصاص یا تشدید مجازات‌های جایگزین می‌تواند به کاهش جرایم خانوادگی و تقویت اعتماد عمومی به نظام قضایی کمک کند. باین‌حال، این اصلاح باید با احتیاط انجام شود تا به جایگاه خانواده به‌عنوان رکن جامعه آسیب نرسد. برای مثال، می‌توان قصاص را مشروط به شرایط خاصی (مانند تکرار جرم یا شدت خشونت) کرد و در سایر موارد از مجازات‌های تعزیری استفاده نمود.

۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۵۸). اصل ۱۰

۳ کاتوزیان، ن. (۱۳۹۸). حقوق خانواده (جلد ۱). انتشارات دانشگاه تهران

۴ مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۰۰). انوار الفقاهه (کتاب القصاص). مدرسه امام علی بن ابی طالب

۵ موسوی خمینی، سید روح‌الله. (۱۳۹۵). تحریر الوسیله (جلد ۲). مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی

اجرای قصاص یا مجازات‌های سنگین برای پدر در جرم فرزندکشی می‌تواند موجب تقویت بازدارندگی کیفری گردد، زیرا نشان‌دهنده جدیت نظام قضایی در مقابله با جرایم خانوادگی است. این امر به‌ویژه در شرایطی که جرایم خانوادگی در حال افزایش است، اهمیت دارد. باین‌حال، باید تعادلی میان بازدارندگی و حفظ ساختار خانواده برقرار شود.<sup>۶</sup>

## ۲.۲. حقوق و تکالیف خانواده در اسلام و قوانین ایران و ارتباط آن با قصاص پدر

با پیشرفت جوامع و پیچیدگی روابط اجتماعی، حقوق و تکالیف اعضای خانواده در اسلام و قوانین ایران برای حفظ تعادل و آرامش این نهاد تنظیم شده است. در فقه اسلامی، ولایت پدر بر فرزندان یکی از اصول بنیادین است که در احکامی مانند حضانت، اداره اموال فرزند و تصمیم‌گیری برای او نمود دارد. این ولایت، مبنای معافیت پدر از قصاص در فقه سنتی است، زیرا قصاص پدر ممکن است جایگاه او به عنوان سرپرست خانواده را تضعیف کند. اصل مصلحت در فقه شیعه، به ویژه در آرای امام خمینی (ره)، به عنوان ابزاری برای تطبیق احکام با نیازهای زمان و مکان پذیرفته شده است.

در حقوق کیفری ایران، معافیت پدر از قصاص در ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی ریشه در احکام فقهی دارد، اما این معافیت با انتقاداتی مواجه است. برای مثال، ممکن است این معافیت به عنوان تبعیض در برابر عدالت کیفری تلقی شود و به کاهش اعتماد عمومی به قانون منجر گردد. برای رفع این مشکل، می‌توان از مجازات‌های تعزیری (مانند حبس طولانی‌مدت) یا مجازات‌های تکمیلی (مانند محرومیت از سرپرستی فرزندان دیگر) استفاده کرد. همچنین، ایجاد ضمانت اجراهای مالی مانند پرداخت دیه سنگین به بازماندگان می‌تواند به جبران خسارت و بازدارندگی کمک کند.

مضافاً تشدید مجازات‌ها در جرم فرزندکشی، حتی بدون اعمال قصاص، می‌تواند بازدارندگی کیفری را تقویت کند. برای مثال، حبس طولانی‌مدت یا محرومیت از حقوق اجتماعی می‌تواند به‌عنوان یک عامل بازدارنده عمل کند و پیام روشنی به جامعه ارسال نماید که چنین جرایمی با مجازات جدی مواجه خواهند شد. این رویکرد همچنین با حفظ جایگاه خانواده سازگار است، زیرا از فروپاشی کامل ساختار خانوادگی جلوگیری می‌کند.<sup>۸</sup>

## ۲.۳. اهمیت خانواده و تأثیر آن بر مصلحت عمومی در تحلیل قصاص پدر در فرزندکشی

خانواده در ادوار مختلف تاریخ، کوچک‌ترین و اصلی‌ترین رکن جوامع بوده و در اسلام و قوانین ایران جایگاه ویژه‌ای دارد. این نهاد، از طریق استمرار نسل و تربیت نیروی انسانی باکیفیت، به حفظ مصلحت عمومی کمک می‌کند. در موضوع قصاص پدر در جرم فرزندکشی، حفظ ثبات خانواده به عنوان یک اصل بنیادین در کنار اجرای عدالت کیفری مطرح است. اصل ۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر حمایت از خانواده تأکید دارد، اما معافیت پدر از قصاص در فقه سنتی، ممکن است با مصلحت عمومی و بازدارندگی کیفری در جامعه مدرن در تعارض باشد. از این رو، بازنگری این حکم فقهی با توجه به نیازهای روز جامعه و تقویت بازدارندگی کیفری ضروری به نظر می‌رسد.

در فقه شیعه، معافیت پدر از قصاص براساس روایاتی مانند «لا یقاد الوالد بانه» و اصل ولایت پدر بر فرزند استوار است. فقهای مانند شیخ طوسی و محقق حلی این قاعده را تأیید کرده‌اند، با این استدلال که قصاص پدر ممکن است به فروپاشی خانواده و تضعیف جایگاه ولایت منجر شود؛ اما در دوران مدرن، با توجه به تغییرات اجتماعی و افزایش آگاهی عمومی، این معافیت می‌تواند به بی‌اعتمادی به نظام عدالت کیفری و افزایش جرایم خانوادگی منجر شود.

۶ صادقی فسایی، سید محمد. (۱۳۹۹). خشونت خانوادگی در ایران: علل و راهکارها. انتشارات جامعه‌شناسان

۷ محقق داماد، سید مصطفی. (۱۴۰۰). قواعد فقه (بخش جزایی). مرکز نشر علوم اسلامی

۸ بوشهری، جعفر. (۱۴۰۱). تحولات حقوق کیفری در پرتو مصلحت. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

از منظر حقوق کیفری ایران، ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) صراحتاً بیان می‌کند که قصاص در صورتی اجرا می‌شود که مرتکب، ولی دم مقتول نباشد. این ماده، پدر را از قصاص در جرم فرزندکشی معاف می‌کند، اما مجازات‌هایی مانند حبس تعزیری (بر اساس ماده ۶۱۲ قانون تعزیرات) یا دیه ممکن است اعمال شود. با این حال، این مجازات‌ها ممکن است به اندازه قصاص بازدارندگی نداشته باشند. مصلحت عمومی ایجاب می‌کند که مجازات‌ها به گونه‌ای اصلاح شوند که هم عدالت کیفری تأمین شود و هم از فروپاشی خانواده جلوگیری گردد. برای مثال، می‌توان مجازات‌های تکمیلی مانند محرومیت از حقوق اجتماعی یا جریمه‌های سنگین مالی را در نظر گرفت.

بازدارندگی کیفری به معنای پیشگیری از جرم از طریق ترس از مجازات است. معافیت پدر از قصاص ممکن است این پیام را به جامعه منتقل کند که جرم فرزندکشی با مجازات جدی مواجه نمی‌شود که به کاهش بازدارندگی منجر می‌شود. اصلاح این حکم با استناد به مصلحت عمومی می‌تواند اعتماد عمومی به نظام عدالت را تقویت کند و از وقوع جرایم مشابه جلوگیری نماید.<sup>۹</sup>

### ۳. مفهوم فرزندکشی و اهمیت آن در فقه و حقوق کیفری ایران

فرزندکشی، قتل عمدی یا غیرعمدی فرزند توسط والدین است که به دلیل شدت خشونت و نقض ارزش‌های انسانی، از دردناک‌ترین جرایم خانوادگی محسوب می‌شود. در اسلام، این عمل حرام و در زمره گناهان کبیره قرار گرفته و در قوانین ایران نیز مجازات‌های سنگینی برای آن پیش‌بینی شده است. با این حال، تفاوت مجازات پدر و مادر در جرم فرزندکشی، به ویژه معافیت پدر از قصاص بر اساس ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی، چالش‌هایی را در زمینه مصلحت عمومی و بازدارندگی کیفری ایجاد کرده است. این معافیت، ریشه در قاعده فقهی «لا یقاد الوالد بانه» دارد<sup>۱۰</sup>، اما می‌تواند به کاهش اعتماد عمومی به نظام عدالت کیفری و تضعیف بازدارندگی منجر شود. فرزندکشی به دلیل نقض ارزش‌های انسانی و تأثیرات منفی آن بر نظم اجتماعی، یکی از جرایم سنگین محسوب می‌شود. در اسلام، قتل فرزند حرام و در قرآن (مانند آیه ۳۲ سوره اسراء: «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ») به شدت نهی شده است.

#### ۳.۱. فرزندکشی با انگیزه قبلی و تحلیل فقهی و کیفری آن

فرزندکشی با انگیزه قبلی، زمانی رخ می‌دهد که والدین با نیت و قصد قبلی اقدام به قتل فرزند خود می‌کنند. این جرم به دلایل مختلفی مانند فقر اقتصادی، اختلالات روانی، درگیری‌های خانوادگی، معلولیت فرزند، یا مسائل ناموسی رخ می‌دهد. در فقه اسلامی، قتل عمد فرزند توسط پدر قصاص ندارد، اما این معافیت ممکن است با مصلحت عمومی و بازدارندگی کیفری در تعارض باشد. در حقوق کیفری ایران، ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی پدر را از قصاص معاف می‌کند، اما مجازات‌های تعزیری مانند حبس یا دیه قابل اعمال است. با توجه به افزایش موارد فرزندکشی در جامعه مدرن، تشدید مجازات‌ها یا بازنگری در معافیت قصاص می‌تواند به تقویت بازدارندگی و حفظ نظم عمومی کمک کند. نمونه‌های واقعی این جرم، مانند قتل آیلار ۱۲ ساله به دلیل فشار اقتصادی یا قتل دو کودک در کنگان به دلیل توهم ناشی از اعتیاد، نشان‌دهنده ضرورت اصلاح قوانین برای پاسخگویی به نیازهای روز جامعه است.<sup>۱۱</sup>

۹ نوریها، رضا. (۱۴۰۱). "بازخوانی معافیت پدر از قصاص در پرتو نظریه بازدارندگی". فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۱۳ (۴۷)، ۸۹-۱۱۲.

۱۰ حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۱۶ ق). وسائل الشیعه (ج ۲۹). مؤسسه آل‌البیت

۱۱ پروین، س (۱۴۰۰). روانشناسی جنایی. انتشارات سمت

بازدارندگی کیفری به پیشگیری از جرم از طریق ترس از مجازات وابسته است. معافیت پدر از قصاص ممکن است این پیام را به جامعه منتقل کند که جرم فرزندکشی با مجازات جدی مواجه نمی‌شود که به کاهش بازدارندگی منجر می‌شود. اصلاح این حکم با استناد به مصلحت عمومی می‌تواند اعتماد عمومی به نظام عدالت را تقویت کند و از وقوع جرایم مشابه جلوگیری نماید. این اصلاح باید با احتیاط انجام شود تا به جایگاه خانواده به عنوان رکن جامعه آسیب نرسد.<sup>۱۲</sup>

در حقوق کیفری ایران، ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی پدر را از قصاص معاف می‌کند، اما ماده ۶۱۲ قانون تعزیرات امکان اعمال حبس تا ۷ سال را برای قتل عمد بدون قصاص فراهم می‌کند. همچنین، دیه ممکن است به عنوان مجازات مالی اعمال شود. با این حال، این مجازات‌ها ممکن است برای جرمی به شدت فرزندکشی کافی نباشند. برای مثال، در مورد قتل آیلار ۱۲ ساله، حبس یا دیه ممکن است احساس عدالت را در جامعه تأمین نکند. تشدید مجازات‌های تعزیری (مانند حبس ابد)، اعمال مجازات‌های تکمیلی (مانند محرومیت از سرپرستی فرزندان دیگر)، یا بازنگری در معافیت قصاص می‌تواند به بازدارندگی کمک کند. همچنین، در مواردی مانند قتل به دلایل ناموسی، می‌توان از ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی (قتل در فراس) به عنوان مبنای تشدید مجازات استفاده کرد، اگرچه این ماده به طور خاص به فرزندکشی اشاره ندارد.

### ۳.۲. فرزندکشی بدون انگیزه قبلی و چالش‌های حقوقی و فقهی آن

فرزندکشی بدون انگیزه قبلی معمولاً به دلیل رفتارهای غیرعمدی ناشی از خشونت‌های خانگی یا الگوهای تربیتی خشن رخ می‌دهد. اگرچه فقدان قصد قتل ممکن است جرم را از قتل عمد خارج کند، اما رابطه سببی میان رفتار والدین و مرگ فرزند، مسئولیت کیفری آن‌ها را ایجاب می‌کند. ۱۳ در فقه اسلامی، قتل غیرعمد معمولاً به پرداخت دیه منجر می‌شود، اما در مورد پدر، حتی در قتل عمد، قصاص اعمال نمی‌شود. این معافیت می‌تواند به کاهش بازدارندگی و تضعیف اعتماد عمومی به نظام قضایی منجر شود. در حقوق کیفری ایران، ماده ۶۱۶ قانون تعزیرات برای قتل غیرعمد مجازات حبس پیش‌بینی کرده است، اما این مجازات ممکن است کافی نباشد. از منظر مصلحت عمومی، تشدید مجازات‌های تعزیری یا ایجاد ضمانت‌اجراهای تکمیلی می‌تواند به پیشگیری از چنین جرایمی کمک کند. نمونه واقعی این جرم، مانند قتل آتنا ۱۳ ساله به دلیل تشبیه غیرعمدی، نشان‌دهنده ضرورت آموزش مهارت‌های فرزندپروری و اصلاح قوانین کیفری است.

در فقه اسلامی، قتل غیرعمد معمولاً به پرداخت دیه و گاهی تعزیر منجر می‌شود. در مورد پدر، حتی در قتل عمد، قصاص اعمال نمی‌شود، چه رسد به قتل غیرعمد. این معافیت مبتنی بر اصل ولایت پدر است، اما می‌تواند به کاهش بازدارندگی منجر شود. از منظر مصلحت عمومی، می‌توان استدلال کرد که در مواردی که رفتار غیرعمدی پدر به مرگ فرزند منجر می‌شود، مجازات‌های تعزیری سنگین‌تر یا ضمانت‌اجراهای تکمیلی (مانند محرومیت از حقوق اجتماعی) اعمال شود.<sup>۱۴</sup>

فقهای معاصر مانند آیت الله منتظری در مواردی از اصل مصلحت برای تشدید مجازات در جرایم محل نظم عمومی حمایت کرده‌اند. ۱۵ همچنین، احادیثی مانند «مَا نَحَلَ وَالِدٌ وَكَلْدًا مِنْ نَحْلِ أَفْضَلٍ مِنْ أَدَبٍ حَسَنٍ» می‌توانند مبنای مسئولیت پدر در تربیت صحیح و پرهیز از رفتارهای خشن باشند.

۱۲ نوریها، ر (۱۴۰۲). "بازدارندگی کیفری در جرایم خانوادگی". مجله تحقیقات حقوقی، ۲۵ (۷۸)، ۱۲۳-۱۵۰.

۱۳ صادقی فسایی، س.م (۱۴۰۲). خشونت خانگی و پیامدهای کیفری. پژوهشگاه علوم انسانی

۱۴ نوریها، ر (۱۴۰۲). "مسئولیت کیفری والدین در قتل غیرعمد فرزند". مجله حقوق پزشکی، ۱۷ (۴۵)، ۸۹-۱۱۰.

۱۵ منتظری، حسینعلی (۱۴۲۷ ق). دراسات فی ولایة الفقیه (ج ۳). نشر سرایی

همچنین در حقوق کیفری ایران، قتل غیرعمد بر اساس ماده ۶۱۶ قانون تعزیرات ممکن است به حبس تا ۳ سال منجر شود و دیه نیز بر اساس مواد ۷۱۲ و ۷۱۴ قانون مجازات اسلامی قابل اعمال است. باین حال، این مجازات‌ها برای جرمی مانند فرزندکشی غیرعمد ممکن است کافی نباشند، به ویژه در مواردی که مرگ فرزند ناشی از رفتارهای خشونت آمیز است. برای مثال، در مورد قتل آتنا ۱۳ ساله، حبس کوتاه مدت یا دیه ممکن است احساس عدالت را تأمین نکند. تشدید مجازات‌های تعزیری، الزام به شرکت در دوره‌های آموزشی فرزندپروری، یا محرومیت از سرپرستی سایر فرزندان می‌تواند به بازدارندگی و پیشگیری از تکرار جرم کمک کند. همچنین، تقویت نظام‌های آموزشی و غربالگری روانی می‌تواند از وقوع چنین جرایمی جلوگیری نماید.<sup>۱۶</sup>

### ۳.۳. بازتاب‌های فرزندکشی و ارتباط آن با مصلحت عمومی و بازدارندگی کیفری

فرزندکشی، به عنوان یکی از خشن‌ترین جرایم خانوادگی، بازتاب‌های گسترده‌ای در سطوح داخلی و بین‌المللی دارد که نظم اجتماعی، مصلحت عمومی و اعتبار نظام حقوقی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در فقه اسلامی، این عمل حرام و در زمره گناهان کبیره است، اما معافیت پدر از قصاص در جرم فرزندکشی (بر اساس ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی) می‌تواند این بازتاب‌های منفی را تشدید کند. این معافیت که ریشه در قاعده فقهی «لا یقاد الوالد بانه» دارد، ممکن است به کاهش اعتماد عمومی به نظام قضایی، افزایش هرج و مرج و تضعیف بازدارندگی کیفری منجر شود. از منظر مصلحت عمومی، بازنگری این حکم فقهی و تشدید مجازات‌ها برای کاهش بازتاب‌های منفی فرزندکشی و تقویت نظم اجتماعی ضروری است.

فرزندکشی نشان‌دهنده اختلالات اخلاقی و اجتماعی در جامعه است و معافیت پدر از قصاص می‌تواند احساس عدالت را تضعیف کند. این امر به بی‌اعتمادی به دستگاه قضایی، بدبینی به قوانین مبتنی بر شریعت و حتی انزجار از دولت منجر می‌شود. چنین وضعیتی گروه‌های سرکش و منتقد را تقویت می‌کند و نظم عمومی را به خطر می‌اندازد. همچنین خانواده به‌عنوان منشأ نیروی انسانی، نقش کلیدی در پیشرفت اقتصادی دارد. فرزندکشی با کاهش جمعیت جوان، هرم جمعیتی را به سمت پیری سوق می‌دهد و نیروی کار و آینده اقتصادی کشور را تضعیف می‌کند. معافیت پدر از قصاص ممکن است این جرم را تسهیل کند و به کاهش نرخ زاد و ولد منجر شود. تشدید مجازات‌ها و حمایت از خانواده‌ها از طریق سیاست‌های اقتصادی می‌تواند این بازتاب‌های منفی را کاهش دهد و مصلحت عمومی را تأمین کند. شایان توجه است تکرار فرزندکشی می‌تواند به عادی‌سازی خشونت در جامعه منجر شود و اعتماد میان نسل‌ها را تضعیف کند. این امر به افزایش آسیب‌های اجتماعی مانند فرار از خانه، اعتیاد و حتی قتل والدین توسط فرزندان دامن می‌زند. معافیت پدر از قصاص ممکن است این تصور را ایجاد کند که چنین جرایمی مجازات جدی ندارند که به کاهش بازدارندگی منجر می‌شود. بازنگری در این حکم و تقویت آموزش‌های فرهنگی می‌تواند این بازتاب‌های منفی را کاهش دهد.<sup>۱۷</sup>

در فقه شیعه، قاعده «لا یقاد الوالد بانه» معافیت پدر از قصاص را توجیه می‌کند، با این استدلال که قصاص ممکن است به فروپاشی خانواده منجر شود. فقهای مانند شیخ طوسی و علامه حلی این قاعده را تأیید کرده‌اند. باین حال، در فقه پویا، اصل مصلحت عمومی می‌تواند مبنای بازنگری این حکم باشد. برای مثال، فقهای معاصری مانند آیت‌الله صانعی استدلال کرده‌اند که در شرایطی که جرم به نظم عمومی آسیب می‌زند، می‌توان مجازات‌های سنگین‌تر یا قصاص را اعمال کرد.

۱۶ سازمان بهزیستی کشور (۱۴۰۲). راهنمای مهارت‌های فرزندپروری

۱۷ صادقی فسایی، س. م. (۱۴۰۲). جامعه‌شناسی جرایم خانوادگی. پژوهشگاه علوم انسانی

فرزندکشی، به دلیل بازتاب های منفی آن بر اعتماد عمومی و وجهه دینی، مصداق بارزی از جرایمی است که نیازمند بازنگری فقهی است.<sup>۱۸</sup>

مجازات های ماده ۶۱۲ قانون تعزیرات ممکن است به اندازه کافی بازدارنده نباشند، به ویژه در جامعه ای که انتظار عدالت کیفری قوی دارد. تشدید مجازات ها، مانند حبس طولانی مدت، محرومیت از حقوق اجتماعی، یا بازنگری در معافیت قصاص، می تواند بازتاب های منفی فرزندکشی را کاهش دهد و بازدارندگی را تقویت کند. این اصلاح باید با احتیاط انجام شود تا به جایگاه خانواده آسیب نرسد.

### ۳،۳،۱. بازتاب های فرزندکشی در جامعه داخلی

فرزندکشی تأثیرات عمیقی بر ساختار حقوقی، اقتصادی و فرهنگی-اخلاقی جامعه داخلی دارد. از منظر حقوقی، معافیت پدر از قصاص می تواند به بدبینی نسبت به دستگاه قضایی و قوانین اسلامی منجر شود که نظم عمومی را مختل می کند. از منظر اقتصادی، فرزندکشی با کاهش جمعیت جوان و نیروی انسانی، به پیری هرم جمعیتی و تضعیف اقتصاد کشور دامن می زند. ۱۹ از منظر فرهنگی-اخلاقی، تکرار این جرم می تواند به عادی سازی خشونت و کاهش اعتماد میان نسل ها منجر شود. ۲۰ تشدید مجازات ها، از جمله بازنگری در معافیت قصاص پدر، می تواند این بازتاب های منفی را کاهش دهد و بازدارندگی کیفری را تقویت کند.

فرزندکشی نقض صریح احکام اسلامی مانند آیه ۳۲ سوره اسراء («وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ») است که قتل فرزند را حرام می داند. معافیت پدر از قصاص، اگرچه ریشه در فقه سنتی دارد، می تواند با مصلحت عمومی در تعارض باشد، زیرا به بدبینی نسبت به شریعت اسلامی منجر می شود. اصل مصلحت عمومی که در فقه پویا مورد تأکید قرار گرفته، می تواند مبنای تشدید مجازات ها یا اعمال قصاص در موارد خاص باشد. برای مثال، فقهایی مانند آیت الله مکارم شیرازی از اصل مصلحت برای اصلاح احکام سنتی حمایت کرده اند.<sup>۲۱</sup>

از حیث تحلیل کیفری نیز معافیت پدر از قصاص (ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی) می تواند به کاهش اعتماد به دستگاه قضایی و افزایش هرج و مرج منجر شود. تشدید مجازات های تعزیری، مانند حبس ابد، یا اعمال قصاص در مواردی که جرم به نظم عمومی آسیب می زند، می تواند احساس عدالت را تأمین کند. این اصلاح همچنین از شکل گیری گروه های سرکش و افزایش جرم و جنایت جلوگیری می کند.

### ۳،۳،۲. بازتاب های فرزندکشی در جامعه بین المللی

فرزندکشی تأثیرات منفی بر جایگاه بین المللی کشور، به ویژه در حوزه های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی-اجتماعی دارد. انتشار اخبار این جرم می تواند به تخریب وجهه شریعت اسلامی و اعتبار سیاسی کشور منجر شود. از منظر مصلحت عمومی، تشدید مجازات ها و بازنگری در معافیت قصاص پدر می تواند این بازتاب های منفی را کاهش دهد و بازدارندگی کیفری را در سطح جهانی تقویت کند.<sup>۲۲</sup>

۱۸ حلی، ابن ادریس (۱۴۱۰ ق). السرائر (ج ۳). مؤسسه نشر اسلامی

۱۹ مرکز آمار ایران (۱۴۰۲). گزارش تحولات جمعیتی ایران

۲۰ باندورا، آ. (۱۴۰۰). نظریه یادگیری اجتماعی (ترجمه فرهاد ماهر). رشد

۲۱ مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۰۱). استفتائات جدید (ج ۴). مدرسه امام علی (ع)

### ۳,۳,۲,۱. بازتاب سیاسی

انتشار اخبار فرزندکشی در سطح بین‌المللی به مخالفان جمهوری اسلامی و رسانه‌های معاند فرصت می‌دهد تا شریعت اسلامی و نظام سیاسی ایران را ناکارآمد جلوه دهند. این امر می‌تواند به جلب توجه سازمان‌های بین‌المللی مانند یونسف و اعمال تحریم‌ها یا اتهام نقض حقوق بشر منجر شود. تشدید مجازات‌ها، از جمله بازنگری در معافیت قصاص، می‌تواند این بازتاب‌های منفی را کاهش دهد و جایگاه سیاسی کشور را تقویت کند.<sup>۲۳</sup>

### ۳,۳,۲,۲. بازتاب اقتصادی

فرزندکشی با تضعیف نیروی انسانی و هرم جمعیتی، اقتصاد داخلی را تضعیف می‌کند و در سطح بین‌المللی، به کاهش ارتباطات اقتصادی و سرمایه‌گذاری خارجی منجر می‌شود. تشدید مجازات‌ها و حمایت از خانواده‌ها می‌تواند اعتماد بین‌المللی به اقتصاد ایران را تقویت کند و مصلحت عمومی را تأمین نماید.<sup>۲۴</sup>

### ۳,۳,۲,۳. بازتاب فرهنگی-اجتماعی

احادیثی مانند «الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ» و «مَا نَحَلَ وَالِدٌ وَوَلَدًا مِنْ نَحْلِ أَفْضَلِ مِنْ أَدَبِ حَسَنٍ» بر مسئولیت والدین در تربیت فرزندان تأکید دارند. فرزندکشی نقض این مسئولیت است و معافیت پدر از قصاص می‌تواند به عادی‌سازی خشونت منجر شود. اصل مصلحت عمومی می‌تواند مبنای تشدید مجازات‌ها برای حفظ ارزش‌های اخلاقی باشد.<sup>۲۵</sup> فرزندکشی در سطح بین‌المللی به‌عنوان گناهی بزرگ شناخته می‌شود و انتشار اخبار آن، وجهه فرهنگی و دینی ایران را مخدوش می‌کند. این امر به کاهش روابط فرهنگی و بدبینی به اسلام منجر می‌شود. بازنگری در معافیت قصاص پدر و تشدید مجازات‌ها می‌تواند نشان‌دهنده تعهد ایران به ارزش‌های اسلامی و انسانی باشد و این بازتاب‌های منفی را کاهش دهد.

تشدید مجازات‌ها و آموزش‌های فرهنگی می‌تواند بازدارندگی کیفری را تقویت کند و از عادی‌سازی خشونت جلوگیری نماید. این امر به حفظ اعتماد میان نسل‌ها و کاهش آسیب‌های اجتماعی کمک می‌کند.

### ۴. قانون مجازات اسلامی و چالش‌های معافیت قصاص پدر در فرزندکشی

ماده ۳۰۱ و ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) بیان می‌کند که پدر یا جد پدری در صورت قتل فرزند از قصاص معاف است و تنها به پرداخت دیه و مجازات تعزیری (مانند حبس) محکوم می‌شود. این حکم بر اساس قاعده فقهی «لا یقاد الوالد بینه» و اصل ارجحیت ولایت پدر تدوین شده است. با این حال، افزایش موارد فرزندکشی در جامعه مدرن نشان‌دهنده ناکارآمدی این حکم در ایجاد بازدارندگی کیفری است. معافیت قصاص ممکن است به کاهش اعتماد عمومی به نظام قضایی، تشدید هرج‌ومرج و تضعیف مصلحت عمومی منجر شود. از منظر فقهی، اصل مصلحت عمومی می‌تواند مبنای بازنگری این قاعده باشد تا مجازات‌های سنگین‌تر، مانند قصاص یا تشدید تعزیرات، اعمال شود. در حقوق کیفری، اصلاح قانون با هدف تقویت بازدارندگی و کاهش بازتاب‌های منفی فرزندکشی ضروری است. برای مثال، ماده ۶۱۲ قانون تعزیرات امکان حبس طولانی را فراهم می‌کند، اما این مجازات‌ها به تنهایی کافی نیست و نیاز به ضمانت‌اجراه‌های تکمیلی مانند محرومیت از حقوق اجتماعی یا جریمه‌های سنگین مالی دارد.

۲۳ مرکز مطالعات استراتژیک ریاست جمهوری (۱۴۰۲). دیپلماسی حقوق بشری ایران

۲۴ مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۴۰۲). تأثیر امنیت قضایی بر جذب سرمایه‌گذاری

۲۵ لیبی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق). الکافی (ج ۶). دار الکتب الاسلامیه

قاعده «لا یقاد الوالد بانه» بر اساس روایاتی مانند حدیث نقل شده از امام صادق (ع) و اجماع فقها شکل گرفته است. فقهای مانند شیخ طوسی و محقق حلی این قاعده را با استدلال حفظ جایگاه ولایت پدر و جلوگیری از فروپاشی خانواده تأیید کرده‌اند. باین حال، در فقه پویا، اصل مصلحت عمومی می‌تواند مبنای بازنگری این حکم باشد. برای مثال، فقهای معاصری مانند آیت الله یوسف صانعی استدلال کرده اند که در شرایطی که جرم پدر به نظم عمومی آسیب می‌زند، قصاص یا مجازات های سنگین تر قابل توجیه است. همچنین، آیاتی مانند آیه ۱۷۸ سوره بقره («يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ») قصاص را به صورت کلی برای قتل عمد تجویز می‌کند و استثنای صریحی برای پدر ذکر نکرده است؛ بنابراین، می‌توان با استناد به مصلحت عمومی، قصاص را در مواردی که فرزندکشی به امنیت اجتماعی لطمه می‌زند، اعمال کرد.<sup>۲۶</sup>

بازدارندگی کیفری به پیشگیری از جرم از طریق ترس از مجازات وابسته است. معافیت پدر از قصاص ممکن است این پیام را به جامعه منتقل کند که جرم فرزندکشی با مجازات جدی مواجه نمی‌شود که به کاهش بازدارندگی منجر می‌شود. تشدید مجازات ها، حتی بدون اعمال قصاص، می‌تواند این پیام را اصلاح کند و والدین را از ارتکاب چنین جرایمی بازدارد. این رویکرد با مصلحت عمومی هم خوانی دارد، زیرا اعتماد عمومی به نظام قضایی را تقویت می‌کند و نظم اجتماعی را حفظ می‌نماید.

مصلحت عمومی ایجاب می‌کند که قوانین کیفری به گونه‌ای اصلاح شوند که هم عدالت کیفری تأمین شود و هم از فروپاشی خانواده جلوگیری گردد. معافیت قصاص ممکن است به بی‌اعتمادی عمومی و افزایش جرایم خانوادگی منجر شود که با مصلحت عمومی در تعارض است. بازنگری این حکم، با استناد به اصل مصلحت، می‌تواند تعادل میان حفظ خانواده و اجرای عدالت را برقرار کند.

#### ۴.۱. بزه دیدگان غیرمستقیم جنایات عمدی و تأثیر فرزندکشی بر آن‌ها

بزه دیدگان غیرمستقیم افرادی هستند که به طور مستقیم مورد جرم قرار نمی‌گیرند، اما از پیامدهای آن آسیب های عاطفی، روانی، اقتصادی، یا اجتماعی می‌بینند. در جرم فرزندکشی، مادر، سایر اعضای خانواده و جامعه به عنوان بزه دیدگان غیرمستقیم دچار خسارات سنگین می‌شوند. معافیت پدر از قصاص این آسیب ها را تشدید می‌کند، زیرا احساس عدالت را تضعیف می‌کند و به بی‌اعتمادی عمومی دامن می‌زند. از منظر مصلحت عمومی، تشدید مجازات ها یا اعمال قصاص در موارد خاص می‌تواند این آسیب ها را کاهش دهد و بازدارندگی کیفری را تقویت کند. همچنین، فرزندکشی با کاهش نیروی انسانی، به آینده اقتصادی و اجتماعی کشور لطمه می‌زند که ضرورت اصلاح قوانین برای حمایت از بزه دیدگان و پیشگیری از جرم را نشان می‌دهد.<sup>۲۷</sup>

در فقه اسلامی، جرم فرزندکشی نقض صریح احکام الهی مانند آیه ۳۲ سوره اسراء («وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ») است که قتل فرزند را حرام می‌داند. احادیثی مانند «مَا نَحَلَ وَالِدٌ وَكَدًّا مِنْ نَحْلٍ أَفْضَلَ مِنْ أَدَبٍ حَسَنٍ» بر مسئولیت پدر در قبال فرزندان تأکید دارند. معافیت پدر از قصاص ممکن است این مسئولیت را تضعیف کند و به بزه دیدگان غیرمستقیم، به ویژه مادر و سایر فرزندان، آسیب بیشتری وارد نماید. از منظر مصلحت عمومی، تشدید مجازات ها یا اعمال قصاص در

۲۶ طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷ ق). المبسوط (ج ۷). المكتبة المرتضوية

۲۷ محسنی، مرتضی (۱۴۰۱). حقوق بزه دیدگان در نظام کیفری ایران. نشر میزان

مواردی که جرم به نظم اجتماعی لطمه می زند، می تواند این آسیب ها را کاهش دهد. اصل مصلحت که در فقه پویا مورد تأکید قرار گرفته، می تواند مبنای این اصلاح باشد.

بزه دیدگان غیرمستقیم فرزندکشی شامل مادر، سایر اعضای خانواده و جامعه هستند. مادر به دلیل از دست دادن فرزند و حضور پدر قاتل در زندان، دچار آسیب های عاطفی و روانی شدید می شود. سایر فرزندان ممکن است احساس ناامنی و بی اعتمادی به والدین پیدا کنند. جامعه نیز، به دلیل همبستگی عاطفی و فرهنگی، با شنیدن اخبار فرزندکشی دچار شوک و بدبینی به نظام قضایی می شود. معافیت پدر از قصاص این آسیب ها را تشدید می کند، زیرا ممکن است به عنوان نشانه ای از ضعف عدالت کیفری تلقی شود. تشدید مجازات های تعزیری، مانند حبس طولانی مدت، یا اعمال قصاص در موارد خاص می تواند احساس عدالت را تأمین کند و این آسیب ها را کاهش دهد. همچنین، حمایت از بزه دیدگان غیرمستقیم از طریق مشاوره روان شناختی، جبران خسارت مالی، یا برنامه های حمایتی می تواند به کاهش پیامدهای جرم کمک کند. برای مثال، ماده ۴ قانون حمایت از خانواده (مصوب ۱۳۹۱) بر حمایت از خانواده های آسیب دیده تأکید دارد که می تواند مبنای این اقدامات باشد.<sup>۲۸</sup>

مصلحت عمومی ایجاب می کند که نظام قضایی به نیازهای بزه دیدگان غیرمستقیم توجه کند و از تشدید آسیب های اجتماعی جلوگیری نماید. فرزندکشی با کاهش نیروی انسانی، به آینده اقتصادی و اجتماعی کشور لطمه می زند که با تأکیدات رهبران انقلاب مانند آیت الله خمینی (ره) و آیت الله خامنه ای بر اهمیت نیروی انسانی هم خوانی دارد. تشدید مجازات ها و حمایت از بزه دیدگان می تواند این آسیب ها را کاهش دهد و مصلحت عمومی را تأمین کند.

#### ۵. کنوانسیون بین المللی حقوق کودک و تعارض آن با معافیت قصاص پدر در فرزندکشی

کنوانسیون بین المللی حقوق کودک (مصوب ۱۹۸۹ مجمع عمومی سازمان ملل) که ایران با شرط عدم تعارض با احکام شرعی آن را امضا کرده است، بر چهار اصل کلیدی عدم تبعیض (ماده ۲)، منافع عالی کودک (ماده ۳)، حق حیات، بقا و رشد (ماده ۶) و احترام به نظرات کودک (ماده ۱۲) استوار است. کنوانسیون حقوق کودک، به عنوان یک سند بین المللی الزام آور، فرزندکشی را نقض صریح حق حیات کودک می داند و خواستار مجازات های سخت گیرانه بدون تخفیف است. با این حال، ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی ایران که بر اساس قاعده فقهی «لا یقاد الوالد بانه» پدر را از قصاص در جرم فرزندکشی معاف می کند، با مواد کنوانسیون، به ویژه ماده ۶ (حق حیات)، در تعارض است. این تعارض، به دلیل شرط ایران در پذیرش کنوانسیون، از منظر فقهی مبتنی بر اصل ولایت پدر توجیه شده، اما از منظر مصلحت عمومی، می تواند به بدبینی بین المللی، اتهام نقض حقوق بشر و تحریم های جهانی منجر شود.<sup>۲۹</sup> همچنین، معافیت قصاص بازدارندگی کیفری را تضعیف می کند و با افزایش موارد فرزندکشی، نظم اجتماعی را به خطر می اندازد. بازنگری این حکم فقهی با استناد به اصل مصلحت عمومی و تشدید مجازات ها، مانند اعمال قصاص یا تعزیرات سنگین، می تواند تعارض با کنوانسیون را کاهش دهد، جایگاه بین المللی ایران را بهبود بخشد و بازدارندگی کیفری را تقویت کند.

#### ۵.۱. قاعده فقهی «لا یقاد الوالد بانه»:

این قاعده که معافیت پدر از قصاص را در جرم فرزندکشی توجیه می کند، بر اساس روایاتی مانند حدیث نقل شده از امام صادق (ع) و اجماع فقها شکل گرفته است. فقهایمانند شیخ طوسی و علامه حلی این قاعده را با استدلال حفظ جایگاه

<sup>28</sup> Herman, J.L. (2022). Trauma and Recovery. Basic Books.

<sup>29</sup> UNICEF (2023). Legal Systems and Child Protection

ولایت پدر و جلوگیری از فروپاشی خانواده تأیید کرده اند. ولایت پدر در فقه اسلامی، او را به عنوان سرپرست خانواده در موقعیتی برتر از فرزند قرار می دهد که قصاص او را ناممکن می سازد.

### ۵,۲. تعارض با کنوانسیون حقوق کودک:

کنوانسیون حقوق کودک، به ویژه ماده ۶، حق حیات را برای هر کودک تضمین می کند و فرزندکشی را نقض این حق می داند. معافیت پدر از قصاص با این اصل در تعارض است، زیرا به نظر می رسد مجازات سبک تر (دیه و تعزیر) نسبت به قصاص، تخفیفی برای قاتل محسوب می شود. شرط ایران در پذیرش کنوانسیون (عدم تعارض با احکام شرعی) این تعارض را از منظر فقهی توجیه می کند، اما این توجیه در جامعه مدرن و در سطح بین المللی مورد انتقاد قرار گرفته است.<sup>۳۰</sup>

### ۵,۳. اصل مصلحت عمومی و بازنگری فقهی:

در فقه پویا، اصل مصلحت عمومی می تواند مبنای بازنگری احکام سنتی باشد. فرزندکشی، به دلیل بازتاب های منفی آن بر نظم اجتماعی، اعتماد عمومی و وجهه بین المللی ایران، مصداق بارزی از جرایمی است که نیازمند بازنگری فقهی است. برای مثال، می توان استدلال کرد که در مواردی که فرزندکشی به امنیت عمومی یا جایگاه دینی کشور آسیب می زند، قصاص یا مجازات های سنگین تر با استناد به مصلحت عمومی توجیه پذیر است. همانطور که پیش تر بیان شد آیاتی مانند آیه ۱۷۸ سوره بقره («يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ») قصاص را به صورت کلی برای قتل عمد تجویز می کند و استثنای صریحی برای پدر ذکر نکرده است که می تواند مبنای این بازنگری باشد.<sup>۳۱</sup>

### ۵,۴. اصلاح قوانین برای تقویت بازدارندگی:

افزایش موارد فرزندکشی در جامعه مدرن نشان دهنده ناکارآمدی مجازات های فعلی است. تشدید مجازات های تعزیری، مانند حبس ابد، اعمال مجازات های تکمیلی (مانند محرومیت از حقوق اجتماعی یا سرپرستی سایر فرزندان)، یا بازنگری در معافیت قصاص می تواند بازدارندگی کیفری را تقویت کند. برای مثال، می توان قصاص را در مواردی که فرزندکشی با انگیزه های خاص (مانند مسائل ناموسی یا انتقام جویی) یا به صورت مکرر رخ می دهد، اعمال کرد. همچنین، ایجاد ضمانت اجراهای مالی مانند دیه سنگین به بازماندگان می تواند به جبران خسارت و پیشگیری از جرم کمک کند. این اصلاحات نه تنها با کنوانسیون حقوق کودک هم خوانی بیشتری دارند، بلکه به حفظ مصلحت عمومی و جایگاه بین المللی ایران کمک می کنند.<sup>۳۲</sup>

مصلحت عمومی ایجاب می کند که نظام قضایی ایران به تعهدات بین المللی خود، از جمله کنوانسیون حقوق کودک، پایبند باشد تا از اتهام نقض حقوق بشر و تحریم های جهانی جلوگیری کند. معافیت پدر از قصاص می تواند به بدبینی بین المللی نسبت به شریعت اسلامی و نظام حقوقی ایران منجر شود که با مصلحت عمومی در تعارض است. بازنگری این حکم با استناد به اصل مصلحت عمومی می تواند جایگاه بین المللی ایران را بهبود بخشد و اعتماد عمومی به نظام قضایی را تقویت کند.

۳۰ شریعت باقری، محمدجواد (۱۴۰۲). حقوق کودک در نظام های حقوقی اسلامی. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

۳۱ مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۵). نظریه سیاسی اسلام (ج ۲). مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی

۳۲ خامنه ای، سید علی (۱۴۰۲). اجوبه الاستفتائات. دفتر مقام معظم رهبری

## ۶. فقه اسلامی و تحلیل قاعده معافیت قصاص پدر در فرزندکشی

فقه اسلامی مجموعه احکام و قوانینی است که از منابع اصلی قرآن، سنت، اجماع و عقل استخراج شده و رفتار مسلمانان را تنظیم می‌کند. در موضوع فرزندکشی، فقه اسلامی این عمل را حرام و از گناهان کبیره می‌داند، اما قاعده فقهی «لا یقاد الوالد بانه» پدر را از قصاص در قتل فرزند معاف می‌کند. این قاعده، مبتنی بر روایات و اجماع فقها، با استناد به اصل ولایت پدر توجیه شده، اما با آیات قرآنی (مانند آیه ۳۱ سوره اسراء)، احادیث پیامبر (ص) و ائمه (ع) و قواعد فقهی مانند «نفی سیل»، «لا یبطل دم امرئ مسلم» و «لا ضرر» در تعارض است. از منظر مصلحت عمومی، معافیت قصاص پدر به کاهش بازدارندگی کیفری، بی‌اعتمادی عمومی و آسیب به نظم اجتماعی و هرم جمعیتی منجر می‌شود. بازنگری این قاعده با استناد به قاعده «التزام» و اصل مصلحت عمومی می‌تواند امکان اعمال قصاص یا تشدید مجازات های تعزیری را فراهم کند که با احکام قرآنی، نیازهای جامعه مدرن و تعهدات بین المللی ایران هم خوانی دارد.<sup>۳۳</sup>

### ۶.۱. احکام فرزندکشی در فقه اسلامی

فقه اسلامی فرزندکشی را عملی حرام و گناهی کبیره می‌داند. مادر در صورت قتل عمد فرزند، در صورت عدم رضایت اولیای دم (پدر یا جد پدری)، قصاص می‌شود، مگر در موارد استثنایی مانند جنون (که به دیه منجر می‌شود) یا ارتداد فرزند (که با حکم حاکم شرع نادر است).<sup>۳۴</sup> اما پدر، بر اساس قاعده «لا یقاد الوالد بانه»، از قصاص معاف است و تنها به دیه و تعزیر (مانند حبس) محکوم می‌شود. این معافیت که ریشه در ولایت پدر دارد، با افزایش موارد فرزندکشی، بازتاب های منفی آن بر نظم اجتماعی و تعارض با کنوانسیون حقوق کودک، با مصلحت عمومی و بازدارندگی کیفری در تعارض است. بازنگری فقهی این حکم با استناد به آیات، احادیث و قواعد فقهی می‌تواند به تقویت عدالت کیفری و پیشگیری از جرم کمک کند.

### ۶.۱.۱. آیات قرآنی

قرآن کریم فرزندکشی را به شدت نهی کرده و آن را گناهی بزرگ می‌داند. آیاتی مانند آیه ۱۴۰ سوره انعام («قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ»)، آیه ۱۵۱ سوره انعام («وَكُلًّا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ»)، آیه ۳۱ سوره اسراء («وَكُلًّا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشِيَةً إِمْلَاقٍ») و آیات ۸-۹ سوره تکویر («وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ») صراحتاً قتل فرزند را حرام و عملی زیان بار می‌دانند. این آیات نهی مطلق از فرزندکشی دارند و هیچ استثنایی برای پدر قائل نشده اند. معافیت قصاص پدر با این آیات در تعارض است، زیرا نقض حق حیات کودک را بدون مجازات متناسب رها می‌کند. اصل مصلحت عمومی می‌تواند مبنای بازنگری این حکم باشد تا با نهی قرآنی هم خوانی داشته باشد.<sup>۳۵</sup>

### ۶.۱.۲. روایات و احادیث

احادیث پیامبر (ص) و ائمه (ع) فرزندکشی را به شدت محکوم کرده اند. احادیثی مانند «مَنْ قَتَلَ وَكِدَهُ عَمْدًا فَأَلْقَوْهُ فِيهِ الْقَوْلُ فِي قَاتِلِ النَّفْسِ» (حکم قاتل فرزند مانند قاتل عمد است)، «وَكُلًّا يَقْبَلُ مِنْ قَاتِلِ وَكِدِهِ تَوْبَةً» (توبه قاتل فرزند پذیرفته نمی‌شود) و «مَنْ قَتَلَ وَكِدَهُ مُتَعَمِّدًا فَلَهُ النَّارُ» (قاتل عمدی فرزند به آتش می‌رود) از پیامبر (ص) و احادیثی مانند «قَتْلُ الْوَكْدِ مِنَ الْكِبَائِرِ» از امام علی (ع) و «أَلَا يَرْحَمُ اللَّهُ وَالِدًا قَتَلَ وَكِدَهُ» از امام صادق (ع) نشان دهنده شدت گناه فرزندکشی هستند.

۳۳ کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ ق.). الکافی (ج ۷، ص ۲۸۱، حدیث ۸: «لا یقتل والد بولد»). دارالحدیث

۳۴ قانون مجازات اسلامی ایران (۱۳۹۲). مواد ۳۰۲، ۳۰۶ و ۳۰۸. روزنامه رسمی

۳۵ موسوی اردبیلی، عبدالکریم (۱۳۸۹). فقه الحدود والتعزیرات (ص ۴۳۷-۴۴۰). انتشارات دانشگاه تهران

این احادیث با قاعده «لا یقاد الوالد بانه» در تعارض اند، زیرا بر مجازات سنگین برای قاتل تأکید دارند.<sup>۳۶</sup> اصل مصلحت عمومی می تواند این تعارض را با اولویت دهی به احکام قرآنی و احادیث رفع کند.

### ۳، ۱، ۶. قواعد فقهی

قواعد فقهی زیر در تحلیل فرزندکشی و قاعده «لا یقاد الوالد بانه» نقش کلیدی دارند:

#### ۱. قاعده نفی سیل:

این قاعده، برگرفته از آیه ۱۴۱ سوره آل عمران («وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»)، بر حفظ عزت جامعه اسلامی و کرامت انسانی تأکید دارد. فرزندکشی کرامت کودک را نقض می کند، حیثیت جامعه اسلامی را خدشه دار می سازد و به تضعیف خانواده و نسل آینده منجر می شود. این قاعده با معافیت قصاص پدر در تعارض است، زیرا این معافیت می تواند به فساد اجتماعی و بدبینی بین المللی دامن بزند.<sup>۳۷</sup>

#### ۲. قاعده لا یبطل دم امرئ مسلم:

این قاعده، مبتنی بر آیاتی مانند آیه ۳۳ سوره اسراء («وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ») و آیه ۳۲ سوره مائده («مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ... فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا») و احادیثی مانند «لَا يَحِلُّ دَمُ امْرِيٍّ مُسْلِمٍ إِلَّا بِإِحْدَى ثَلَاثٍ»، خون مسلمان را جز در سه مورد (زنای محصنه، قصاص، ارتداد) حرام می داند. فرزندکشی بدون دلیل مشروع مصداق نقض این قاعده است و معافیت قصاص پدر با آن در تعارض است، زیرا قتل فرزند را بدون مجازات متناسب رها می کند.<sup>۳۸</sup>

#### ۳. قاعده لا ضرر و لا ضرار:

این قاعده بیان می کند که هیچکس حق ندارد به خود یا دیگری ضرر برساند. فرزندکشی مصداق بارز ضرر به کودک و جامعه است و بازتاب های منفی آن (مانند آسیب به بزه دیدگان غیر مستقیم و نظم اجتماعی) این ضرر را تشدید می کند. معافیت قصاص پدر با این قاعده در تعارض است، زیرا به جای پیشگیری، به تجری مرتکب منجر می شود.<sup>۳۹</sup>

#### ۴. قاعده التزاحم:

این قاعده بیان می کند که در صورت تعارض دو حکم شرعی، حکم مهم تر اولویت دارد. معافیت قصاص پدر با احکام قرآنی، احادیث و قواعد فقهی دیگر در تعارض است. از منظر مصلحت عمومی، حفظ نظم اجتماعی، بازدارندگی کیفری و حق حیات کودک مهم تر از حفظ ولایت پدر در مواردی است که او مرتکب قتل عمد شده است. این قاعده می تواند مبنای بازنگری قاعده «لا یقاد الوالد بانه» باشد.<sup>۴۰</sup>

#### ۵. قاعده لا یقاد الوالد بانه:

این قاعده، بر اساس روایاتی از امام صادق (ع) در «الکافی» و «من لا یحضره الفقیه» و پیامبر (ص) در «سنن الترمذی» و «سنن ابن ماجه»، پدر را از قصاص معاف می کند. استدلال های فقها برای این قاعده عبارت اند از:

۳۶ حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ ق). وسائل الشیعه (ج ۲۹، ص ۹۴، حدیث ۳۵۰۱۲: «قَتْلُ الْوَالِدِ مِنَ الْكَبَائِرِ»). مؤسسه آل البیت.

۳۷ یزدانی، عباس؛ و امینی، محمد. (۱۴۰۰). "تحلیل قاعده لا یقاد الوالد بانه در تعارض با نفی سیل و لا ضرر". فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۱۳ (۴۵)، ۱۲۷-۱۵۰.

۳۸ ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۷ ق). من لا یحضره الفقیه (ج ۴، ص ۱۰۵: حدیث «لا یحل دم امرئ مسلم...»). جامعه مدرسین.

۳۹ محقق نائینی، محمدحسین (۱۴۱۷ ق). منیه الطالب (ج ۲، ص ۱۲۳-۱۲۵: شمول قاعده لا ضرر نسبت به حقوق عمومی). مؤسسه النشر الاسلامی.

۴۰ مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۰ ق). انوار الفقاهاه (کتاب القصاص، ص ۲۱۵: تقدم بازدارندگی کیفری بر حقوق فردی). مدرسه امام علی (ع).

- حق ولایت پدر: فقها معتقدند ولایت پدر با قصاص در تعارض است. پاسخ: ولایت برای تربیت و تادیب است و قتل عمد را شامل نمی‌شود. این قاعده در قتل غیرعمد قابل استناد است، نه قتل عمد.<sup>۴۱</sup>

- عدم تساوی در جایگاه: فقها استدلال می‌کنند که پدر و فرزند از نظر جایگاه برابر نیستند. پاسخ: آیه ۱۷۸ سوره بقره «كُنِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ») قصاص را جان در برابر جان می‌داند و تساوی جایگاه را به معنای حقوقی محدود نمی‌کند. همچنین، قصاص پدر در قتل فرزند دیگری نشان‌دهنده تناقض این استدلال است.<sup>۴۲</sup>

- مصالح خانوادگی و اجتماعی: فقها معتقدند قصاص پدر به فروپاشی خانواده منجر می‌شود. پاسخ: فرزندکشی خود به فروپاشی خانواده و ترس سایر فرزندان از والدین منجر می‌شود. معافیت قصاص به تجری مرتکب و سلب امنیت اجتماعی دامن می‌زند.

## ۷. اصل مصلحت عمومی و نقش آن در بازنگری قصاص پدر در فرزندکشی

اصل مصلحت عمومی یکی از اصول بنیادین در فقه اسلامی، قانون‌گذاری و حکمرانی است که بر تأمین حداکثر منفعت و جلوگیری از ضرر جمعی برای جامعه تأکید دارد. این اصل که در فقه اسلامی و قانون اساسی ایران ریشه دارد، نه برای نقض احکام شرعی، بلکه برای تطبیق آن‌ها با نیازهای جامعه مدرن به کار می‌رود. در موضوع فرزندکشی، معافیت پدر از قصاص (ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی)، مبتنی بر قاعده فقهی «لا یقاد الوالد بانه»، با مصلحت عمومی در تعارض است، زیرا به کاهش بازدارندگی کیفری، بی‌اعتمادی عمومی، پیری هرم جمعیتی و خدشه به اعتبار بین‌المللی ایران منجر می‌شود. اصل مصلحت عمومی، با استناد به آیات قرآنی، قواعد فقهی مانند «حفظ نظام» و «التزام» و اصول قانون اساسی، می‌تواند مبنای بازنگری این قاعده باشد تا قصاص یا مجازات‌های تعزیری سنگین‌تر اعمال شود. این اصلاح نه تنها نظم اجتماعی و بازدارندگی کیفری را تقویت می‌کند، بلکه با کنوانسیون حقوق کودک و ارزش‌های اسلامی هم‌خوانی دارد.<sup>۴۳</sup>

### ۷.۱. مبنای قرآنی و فقهی اصل مصلحت عمومی

اصل مصلحت عمومی ریشه در آیات قرآنی مانند آیه ۱۹۵ سوره بقره («وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ») دارد که بر جلوگیری از هلاکت جامعه و حفظ مصالح عمومی تأکید می‌کند. قاعده فقهی «حفظ نظام» نیز تأمین نظم اجتماعی و منافع جمعی را از اهداف شریعت می‌داند. فقهایی مانند امام خمینی (ره) مصلحت عمومی را حتی بالاتر از برخی احکام فرعی قرار داده‌اند و بر تطبیق احکام با شرایط زمان و مکان تأکید کرده‌اند. در موضوع فرزندکشی، مصلحت‌هایی مانند حفظ جان کودکان (سرمایه آینده)، تقویت بازدارندگی کیفری و حفظ اعتبار بین‌المللی نظام اسلامی ایجاب می‌کند که معافیت قصاص پدر بازنگری شود. قاعده «التزام» نیز امکان اولویت‌دهی به حق حیات کودک و نظم اجتماعی بر ولایت پدر را فراهم می‌کند.<sup>۴۴</sup>

۴۱ علامه حلی (۱۴۱۴ ق). تذکره الفقهاء (ج ۹، ص ۲۳۵)

۴۲ محقق اردبیلی (۱۴۰۳ ق). مجمع الفائدة (ج ۱۲، ص ۳۲۱)

۴۳ امام خمینی (۱۳۷۳). کتاب البیع (ج ۲، ص ۶۲۵)

۴۴ شهید صدر (۱۴۰۸ ق). اقتصادنا (ص ۶۰۳)

## ۲,۲. مبنای قانون اساسی اصل مصلحت عمومی

اصل مصلحت عمومی در اصول ۴۴، ۱۱۰ و ۱۱۲ قانون اساسی ایران تأیید شده است. اصل ۴۴ بر جلوگیری از «زیان جامعه» در برنامه ریزی اقتصادی تأکید دارد. اصل ۱۱۰ به رهبری اجازه می دهد با مشورت مجمع تشخیص مصلحت نظام احکام حکومتی صادر کند. اصل ۱۱۲ وظیفه مجمع تشخیص مصلحت نظام را تشخیص مصلحت در تعارضات میان مصوبات مجلس و شورای نگهبان تعیین می کند. امام خمینی (ره) نیز در صحیفه امام بر اولویت مصلحت نظام بر احکام فرعی تأکید کرده و تأسیس مجمع تشخیص مصلحت نظام را پیشنهاد دادند.<sup>۴۵</sup> این اصول مبنای قانونی بازنگری معافیت قصاص پدر هستند، زیرا فرزندکشی به نظم اجتماعی، اقتصاد و جایگاه بین المللی ایران آسیب می رساند. نمونه هایی مانند ممنوعیت سنگسار یا اجباری شدن واکسیناسیون در دوران کرونا نشان دهنده کاربرد اصل مصلحت عمومی در تطبیق احکام با نیازهای جامعه است.

## ۲,۳. کاربرد مصلحت عمومی در اصلاح معافیت قصاص پدر

معافیت قصاص پدر در جرم فرزندکشی (ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی) با مصلحت عمومی در تعارض است، زیرا:

(۱) به کاهش بازدارندگی کیفری و افزایش فرزندکشی منجر می شود؛

(۲) حق حیات کودکان، به عنوان سرمایه آینده را نقض می کند؛

(۳) به بی اعتمادی عمومی و بدبینی به نظام قضایی دامن می زند؛

(۴) اعتبار بین المللی ایران را با اتهام نقض حقوق بشر (به ویژه کنوانسیون حقوق کودک) خدشه دار می کند.

بازنگری این قاعده با استناد به اصل مصلحت عمومی می تواند شامل اعمال قصاص در موارد خاص (مانند قتل عمد با انگیزه های غیرشرعی)، تشدید مجازات های تعزیری (مانند حبس ابد)، یا اعمال مجازات های تکمیلی (مانند محرومیت از حقوق اجتماعی) باشد. این اصلاح نه تنها با آیات قرآنی (مانند آیه ۳۱ سوره اسراء) و احادیث محکوم کننده فرزندکشی هم خوانی دارد، بلکه نظم اجتماعی و بازدارندگی کیفری را تقویت می کند.

## ۸. راهکارها و پیشنهادات برای اصلاح قانون معافیت قصاص پدر در فرزندکشی

برای رفع تعارض قاعده فقهی «لا یقاد الوالد بانه» با مصلحت عمومی، آیات قرآنی، احادیث و اصول قانون اساسی و همچنین تقویت بازدارندگی کیفری و کاهش آسیب های اجتماعی ناشی از فرزندکشی، پیشنهادات زیر با مستندات فقهی، قرآنی و حقوقی ارائه می شوند. این پیشنهادات نه تنها به اصلاح ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی کمک می کنند، بلکه با کنوانسیون حقوق کودک و نیازهای جامعه مدرن هم خوانی دارند:

۱. اعمال قصاص در قتل عمد فرزند توسط پدر

در صورتی که پدر به صورت عمد و بدون توجیه شرعی (مانند ارتداد فرزند یا جنون) اقدام به قتل فرزند کند، قصاص اعمال شود. این پیشنهاد با آیه ۱۷۸ سوره بقره («كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ») هم خوانی دارد که قصاص را برای قتل عمد تجویز می کند و استثنایی برای پدر قائل نشده است. قاعده «التزام» نیز حق حیات کودک و نظم اجتماعی را بر ولایت پدر اولویت می دهد. اعمال قصاص در موارد خاص، بازدارندگی کیفری را تقویت می کند و از تخریب مرتکب جلوگیری می نماید.

## ۲. تشدید مجازات‌های تعزیری در صورت عدم قصاص

در مواردی که قصاص به دلایل شرعی یا قانونی (مانند رضایت اولیای دم) اعمال نشود، مجازات‌های تعزیری سنگین مانند حبس ابد یا حبس طولانی مدت (بدون تخفیفات قانونی) اجرا شود. این پیشنهاد با حدیث «أَطَاعَهُ لِمَخْلُوقٍ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ» (اطاعت مخلوق در معصیت خالق جایز نیست) هم خوانی دارد، زیرا فرزندکشی نقض صریح احکام الهی (مانند آیه ۳۱ سوره اسراء) است. تشدید تعزیرات، بازدارندگی را افزایش می‌دهد و پیام روشنی به جامعه ارسال می‌کند که این جرم با مجازات جدی مواجه می‌شود.

## ۳. اعمال مجازات‌های تکمیلی برای افزایش بازدارندگی

برای تقویت شدت مجازات و جبران آسیب‌های اجتماعی فرزندکشی، مجازات‌های تکمیلی زیر به صورت دائمی یا موقت (در صورت عدم قصاص) اعمال شوند:

- محرومیت دائمی از حقوق اجتماعی و ولایت: مرتکب از حقوق اجتماعی (مانند حق حضانت، ملاقات با خانواده و ولایت بر سایر فرزندان) محروم شود. این پیشنهاد با قاعده فقهی «لاضرر» (نهی از ضرر به دیگران) سازگار است، زیرا مرتکب با نقض حق حیات کودک، صلاحیت سرپرستی را از دست می‌دهد.

- پرداخت دیه کامل از اموال مرتکب: دیه کامل به بازماندگان (مانند مادر یا سایر اولیای دم) پرداخت شود تا جبران خسارت و بازدارندگی تقویت گردد. این پیشنهاد با ماده ۴۵۰ قانون مجازات اسلامی (پرداخت دیه در قتل عمد) هم خوانی دارد.

- کار اجباری خدماتی بدون دستمزد: مرتکب در طول حبس، تحت نظر قاضی، در مشاغل خدماتی (مانند خدمات عمومی) بدون دریافت دستمزد مشغول به کار شود تا دین خود به جامعه و دولت را جبران کند. این پیشنهاد با قاعده فقهی «تسبیب» (جبران خسارت ناشی از فعل مرتکب) سازگار است، زیرا فرزندکشی خسارات سنگینی به جامعه (مانند کاهش نیروی انسانی و بی‌اعتمادی عمومی) وارد می‌کند.

## ۴. آموزش عمومی و فرهنگ سازی برای پیشگیری از فرزندکشی

برای کاهش وقوع فرزندکشی، برنامه‌های آموزشی و فرهنگ سازی با تأکید بر حرمت این جرم در قرآن (مانند آیه ۱۴۰ سوره انعام) و احادیث (مانند «قَتْلُ الْوَالِدِ مِنَ الْكِبَايَرِ» از امام علی (ع)) اجرا شود. این پیشنهاد با اصل مصلحت عمومی و قاعده «حفظ نظام» هم خوانی دارد، زیرا پیشگیری از جرم به حفظ نظم اجتماعی کمک می‌کند.

## ۵. حمایت از بزه‌دیدگان غیرمستقیم

برای کاهش آسیب‌های عاطفی، روانی و اقتصادی بزه‌دیدگان غیرمستقیم (مانند مادر و سایر اعضای خانواده)، برنامه‌های حمایتی مانند مشاوره روان‌شناختی و جبران مالی اجرا شود. این پیشنهاد با ماده ۴ قانون حمایت از خانواده (مصوب ۱۳۹۱) و قاعده «لاضرر» سازگار است که ضرر به دیگران را نهی می‌کند.

## ۸.۱. تحلیل اصولی و پاسخ‌ها:

### ۱. صورت مسئله و پیش‌نیازها

- مشکل اجتماعی: فرض بر این است که معافیت پدر از قصاص در فرزندکشی (بر اساس قاعده «لَا يُقَادُ الْوَالِدُ بِوَالِدِهِ»)

باعث نگرانی عمومی، افزایش تجری مرتکبین و احساس نقض عدالت در جامعه شده است.

- هدف: یافتن حکمی شرعی که:

۱. با منابع فقهی (قرآن، سنت، عقل، اجماع) سازگار باشد.

۲. عدالت کیفری را محقق کند.

۳. مجازات بازدارنده ای برای پدر تعیین کند.

۴. از تجری سایرین جلوگیری کند.

- روش: استفاده از اصول فقه برای استنباط حکم، با تأکید بر قواعد تفسیر نصوص، رفع تعارض و توجه به مصالح مرسله و عرف اجتماعی.

۲. منابع اولیه و بررسی نصوص

الف) قرآن کریم

آیات متعددی قتل نفس را حرام و مشمول قصاص می دانند:

- سوره بقره (۲:۱۷۸): «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ» (قصاص در قتل بر شما مقرر شده است). این آیه قصاص را به صورت عام برای قتل عمد تجویز می کند.

- سوره اسراء (۱۷:۳۳): «وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ» (نفسی را که خدا حرام کرده جز به حق نکشید). این آیه قتل را حرام و قصاص را به عنوان حق معرفی می کند.

- سوره انعام (۶:۱۵۱) و سوره تکویر (۸۱:۸-۹): فرزند کشی را گناه کبیره می شمارند و بر حرمت آن تأکید دارند. دلالت آیات: این آیات به صورت عام دلالت بر حرمت قتل (از جمله فرزند کشی) و لزوم قصاص در قتل عمد دارند. هیچ استثنایی برای معافیت پدر در این آیات ذکر نشده است.

ب) روایات

- روایت معافیت پدر: روایتی منسوب به امام جعفر صادق (ع) در منابع معتبر (مانند کافی، ج ۷، ص ۲۷۴) می گوید: «لَا يُقَادُ الْوَالِدُ بَوَلَدِهِ» (پدر به دلیل قتل فرزند قصاص نمی شود). این روایت دلالت بر معافیت پدر از قصاص دارد.

- روایات عام قصاص: روایات متعددی قصاص را برای قتل عمد به صورت عام تأیید می کنند (مانند روایات مرتبط با آیه قصاص در وسائل الشیعه).

- روایات تعزیر: برخی روایات نشان می دهند که در صورت معافیت از قصاص، حاکم شرع می تواند مجازات تعزیری (مانند حبس، شلاق، یا تبعید) اعمال کند.

تعارض ظاهری: روایت معافیت پدر با آیات عام قصاص تعارض ظاهری دارد، زیرا آیات قصاص را برای هر قتل عمد واجب می دانند، اما روایت، پدر را استثنا می کند.

ج) اجماع

فقیهان شیعه به طور کلی بر معافیت پدر از قصاص اجماع دارند، اما این اجماع مبتنی بر روایت مذکور است و در صورت وجود دلایل قوی تر (مانند مصالح اجتماعی یا بازنگری روایات)، می توان از آن عدول کرد.

د) عقل

عقل به عنوان یکی از منابع فقهی، در اینجا نقش مهمی دارد:

- عدالت کیفری: عقل حکم می کند که قتل عمد (از جمله فرزندکشی) باید با مجازات سنگین و بازدارنده پاسخ داده شود تا عدالت محقق شود و از تجری جلوگیری گردد.

- مصالح اجتماعی: در شرایط کنونی، معافیت پدر از قصاص ممکن است باعث تضعیف اعتماد عمومی به نظام قضایی و افزایش جرم شود. عقل اقتضا می کند حکمی انتخاب شود که مصلحت جامعه را تأمین کند.

۳. کاربست اصول فقه برای استنباط حکم

برای رفع تعارض ظاهری و استنباط حکمی عادلانه و بازدارنده، از قواعد و اصول فقه استفاده می کنیم:

الف) اصل اولیه: لزوم قصاص در قتل عمد

- بر اساس آیه ۱۷۸ سوره بقره و روایات عام، اصل اولیه در قتل عمد، وجوب قصاص است. این اصل شامل همه قاتلان (از جمله پدر) می شود، مگر اینکه نص معتبر یا دلیل قاطع آن را تخصیص بزند.

- قاعده اصولی: «العام بیتی علی عمومه ما لم یرد مخصص» (حکم عام تا زمانی که تخصیص نخورد، به قوت خود باقی است).

ب) بررسی روایت معافیت پدر (تخصیص یا تعارض؟)

- روایت «لا یقأد الوالد بولده» به ظاهر آیه قصاص را تخصیص می زند و پدر را از قصاص معاف می کند.

- بررسی سند و دلالت:

- سند: روایت در منابع معتبر نقل شده و از نظر سند، مورد پذیرش اکثر فقیهان است.

- دلالت: دلالت روایت صریح است، اما محدود به قصاص است و درباره مجازات های دیگر (مانند تعزیر یا دیه) ساکت است.

- چالش: در شرایط کنونی که معافیت از قصاص باعث تجری و نگرانی اجتماعی شده، آیا می توان این روایت را به صورت مطلق پذیرفت؟

ج) رفع تعارض با قواعد اصولی

برای رفع تعارض بین آیات عام قصاص و روایت خاص معافیت پدر، از قواعد زیر استفاده می شود:

۱. تخصیص به شرط عدم تعارض با مصلحت: اگر اجرای تخصیص (معافیت پدر) به مفسده ای مانند تجری یا نقض عدالت منجر شود، می توان با استناد به قاعده ملازمه (ملازمه بین حکم عقل و شرع)، تخصیص را محدود کرد. عقل حکم می کند که معافیت از قصاص در شرایط کنونی به مصلحت جامعه نیست.

۲. جمع عرفی: می توان روایت را به گونه ای تفسیر کرد که با آیات سازگار باشد. مثلاً:

- روایت به شرایط خاصی (مانند قتل غیر عمد یا شبه عمد) محدود شود.

- معافیت از قصاص به معنای معافیت از مجازات های دیگر (مانند تعزیر سنگین) نباشد.

۳. تقدم مصلحت عام بر نص خاص: بر اساس قاعده مصالح مرسله، اگر اجرای یک نص خاص (روایت معافیت پدر) به ضرر جامعه باشد، می توان با استناد به مصلحت عمومی، حکمی جایگزین (مانند تعزیر سنگین) وضع کرد.

د) قاعده لاضرر و لاضرار

- قاعده لاضرر (لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام) اقتضا می کند که هیچ حکمی در اسلام نباید به ضرر فرد یا جامعه منجر شود. معافیت پدر از قصاص در شرایط کنونی، با ایجاد تجری و نگرانی اجتماعی، ضرر اجتماعی به همراه دارد.

- این قاعده می‌تواند روایت معافیت پدر را محدود یا مشروط کند.

ه) قاعده عقل و عدالت

- عقل حکم می‌کند که مجازات باید متناسب با جرم باشد. قتل عمد فرزند توسط پدر، جرمی سنگین است و نیازمند مجازاتی بازدارنده است.

- قاعده ملازمه: اگر عقل به لزوم مجازات سنگین برای تحقق عدالت و جلوگیری از تخریب حکم کند، شرع نیز آن را تأیید می‌کند.

و) اختیار حاکم شرع در تعزیر

- در فقه شیعه، حاکم شرع اختیار دارد در مواردی که حد یا قصاص اعمال نمی‌شود، مجازات تعزیری متناسب با جرم تعیین کند (بر اساس وسائل الشیعه، باب تعزیر).

- این اختیار می‌تواند برای جبران خلأ قصاص در مورد پدر استفاده شود.

۴. استنباط حکم پیشنهادی

با توجه به تحلیل فوق، حکم پیشنهادی برای مسئله فرزندکشی توسط پدر در شرایط کنونی به شرح زیر است:

۱. بازنگری در معافیت مطلق از قصاص:

- با استناد به آیات عام قصاص (بقره: ۱۷۸، مائده: ۴۵) و قاعده لاضرر، می‌توان معافیت پدر از قصاص را مشروط یا محدود کرد. اگر قتل عمد محرز باشد و اجرای قصاص به مصلحت جامعه باشد (مانند جلوگیری از تخریب)، قصاص قابل اعمال است.

- تفسیر روایت: روایت معافیت پدر می‌تواند به مواردی محدود شود که قتل غیرعمد یا شبه‌عمد است، یا به شرایط اجتماعی خاصی (مانند گذشته) مربوط باشد که اجرای قصاص به مصلحت نبود.

۲. اعمال مجازات تعزیری سنگین:

- در صورتی که قصاص به دلایل فقهی (مانند اجماع یا روایت) اعمال نشود، حاکم شرع می‌تواند با استناد به اختیار تعزیر، مجازاتی سنگین مانند حبس ابد، شلاق شدید، تبعید، یا محرومیت از حقوق اجتماعی وضع کند.

- این مجازات باید به گونه‌ای باشد که:

- بازدارندگی لازم را داشته باشد.

- عدالت کیفری را محقق کند.

- از تخریب سایرین جلوگیری کند.

۳. دیه به عنوان مکمل:

- پرداخت دیه به اولیای دم (مانند مادر یا سایر ورثه) می‌تواند به عنوان جبران مالی اعمال شود، اما به تنهایی کافی نیست، زیرا بازدارندگی لازم را ندارد.

۴. توجه به مصالح اجتماعی:

- با استناد به قاعده مصالح مرسله، حاکم شرع می‌تواند با توجه به شرایط اجتماعی کنونی (نگرانی عمومی و تخریب)، حکمی متناسب با عرف و نیاز جامعه وضع کند. مثلاً، قانون‌گذاری در سطح حکومتی برای تشدید مجازات فرزندکشی توسط والدین.

## ۵. توجیه فقهی حکم پیشنهادی

- سازگاری با نصوص: این حکم با آیات عام قصاص سازگار است و روایت معافیت پدر را با استفاده از قواعد اصولی (تخصیص محدود، جمع عرفی، لاضرر) تفسیر می‌کند.

- تحقق عدالت: مجازات سنگین (قصاص یا تعزیر) با اصل تناسب جرم و مجازات و عدالت کیفری هم خوانی دارد.

- بازدارندگی: مجازات پیشنهادی از تجری مرتکبین جلوگیری می‌کند و اعتماد عمومی به نظام قضایی را تقویت می‌کند.

- توجه به مصلحت: این حکم با شرایط اجتماعی کنونی (نگرانی عمومی) هماهنگ است و مصلحت جامعه را تأمین می‌کند.

**نتیجه**

پس از گذر از وادی بررسی‌های عمیق و موشکافانه، اکنون به این حقیقت تلخ دست می‌یابیم که فرزندکشی به عنوان زخمی کهنه بر پیکره جامعه اسلامی، از نخستین سال‌های انقلاب تاکنون، نه تنها التیام نیافته، بلکه با نقصان مجازات‌های قانونی، منشا آرامش خیال پدران قاتل بوده است. آیا این همان عدالتی است که شریعت مقدس اسلام، با تأکید بر کرامت انسانی و حفظ نسل، در پی آن بوده؟

قرآن با صراحت در سوره اسراء می‌فرماید " وَكَلَّا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ "، از طرفی عقل سلیم می‌پرسد جامعه‌ای که نتواند از ضعیف‌ترین شخص (کودک) خود دفاع کند، چگونه می‌تواند ادعای الگو بودن در جهان اسلام را داشته باشد؟ چگونه می‌تواند ادعای نفی سلطه کفار داشته باشد؟

شاید عده‌ای بگویند که خداوند در قرآن فرموده در اسلامی سخت گرفتن جایز نیست و در جایی دیگر بگویند پس رحمت الهی چه می‌شود؟! لازم به ذکر است که در آیه ۵۷ سوره آل عمران خداوند فرموده است: وَ أَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ (اما آنها که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند، خداوند پاداش آنان را بطور کامل خواهد داد؛ و خداوند، ستمکاران را دوست نمی‌دارد.) و از طرفی امام باقر علیه السلام فرمود: «ظلم بر سه نوع است: ظلمی که خدا آن را می‌بخشد؛ ظلمی که خدا آن را نمی‌بخشد؛ ظلمی که خدا آن را وانمی‌گذارد: ظلمی که خدا آن را نمی‌بخشد، شرک آوردن به خداست؛ ظلمی که خدا آن را می‌بخشد، ظلمی است که انسان آن را میان خود و خدا مرتکب می‌شود؛ ظلمی که خدا آن را وانمی‌گذارد، تجاوز به بندگان است؛» همچنین علی علیه السلام فرمود: «بدترین ظلم، ظلم بر ضعیف است»؛ در نتیجه مشخص می‌شود که کسانی که فرزندان خود را می‌کشند در زمره چنین اشخاصی هستند و رحمت بر آنان واجب نیست، چه بسا خداوند بخشنده مهربان است.

جعل احکام به وسیله شارع مقدس بر پایه جلب مصلحت و دفع مفسده است. احکام برای انسان جعل میشوند و در جلب مصلحت و دفع مفسده انسان لحاظ میشود؛ بنابراین، جعل احکام شرعی بر پایه جلب مصلحت و دفع مفسده انسانهاست. وقتی تعیین خسارات بازماندگان مقتول عمدی آنها را در ادامه مسیر زندگی کمک میکند، مصلحت مساعدت به آنها را بایسته میکند.

از طرفی مصلحت نظام بیان می‌دارد که با توجه به تغییر هرم جمعیت به سمت پیری، تهدید امنیت ملی و کاهش نیروی انسانی، همگی زنگ خطری هستند که سکوت در برابر آن‌ها خیانت به آرمان‌های انقلاب است. در سمتی دیگر، مقصود از جعل احکام توسط شارع مقدس برپایی مصلحت و دفع مفسده می‌باشد. زمانی که تعیین خسارات وارده بر بازماندگان

مقتول عمدی، آن‌ها را در ادامه مسیر زندگی، چه از نظر معنوی و چه از نظر مادی، کمک می‌کند، ایجاد مصلحت مساعدت برای آن‌ها واجب می‌گردد.

هرچند مخالفان اصلاح قانون، با استناد به حدیث نبوی «لَا يُقْتَلُ الْوَالِدُ بِالْوَالِدِ» در برابر تغییر ایستاده اند، ولی آیا می‌توان در برابر انبوه دلایل قرآنی و فقهی، چشم فروبست؟ آیاتی که خون مسلمان را محترم می‌شمرند (مگر به حق)، قواعدی چون نفی سبیل، لَا يَبْطُلُ دَمُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ، لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ و نیز اصولی چون نفی حرج و تسبیب، همگی گواهی می‌دهند که ترازوی عدالت در این جرم، به سود بازنگری سنگینی می‌کند. حتی اگر قاعده تراحم را نیز به کار بگیریم، کفه ادله موافقان تغییر، به وضوح بر مخالفان می‌چربد. در میان این ادله جای اصل مصلحت عمومی نظام نیز خالی است و به صراحت تأکید می‌کند که حفظ اسلام و نظام جمهوری اسلامی بر همه چیز مقدم است.

اگر بپذیریم که جامعه‌ی اسلامی می‌بایست توانایی حفظ نسل آینده، تعادل جمعیتی و امنیت روانی خانواده‌ها را داشته باشد، آیا می‌توان با استناد به یک حدیث (هرچند صحیح)، از کنار سقوط جمعیتی، تزلزل کیان خانواده و تهدید آینده امت اسلامی گذشت؟ آیا مصلحت امت که از اصول کلیدی فقه شیعه است، حکم نمی‌کند که در موارد تعارض بین یک حدیث خاص و مصالح کلان نظام، جانب حفظ نظام و منافع عمومی ترجیح داده شود؟

از سویی دیگر، سوء استفاده از حق ولایت، آن‌هم در شدیدترین شکل ممکن (سلب حیات فرزندان)، با اصل ۴۰ قانون اساسی که هرگونه سوء استفاده از حق را منع کرده، تعارض دارد.

اگر مخالفان، با قصاص پدر به کلی مخالفند، حداقل باید شرایط اعدام را از پیچ و خم‌های غیرعملی خارج کنند تا مجازات، نه تنها بر کاغذ، بلکه در عمل نیز بازدارنده باشد. صرف اینکه در قانون مکتوب باشد ولی عملاً متروک باشد، نمی‌تواند نتیجه مورد نظر را به ارمغان بیاورد. شرایط حال حاضر نیز از نظر عقلانی حکم می‌کند تا میزان بازدارندگی قانون شدیدتر شود.

مقاومت در برابر این مستندات فقهی و قرآنی (که برخی از آن‌ها نص صریح وحی است) نه تنها عقلانیت را زیر سؤال می‌برد، بلکه پرسش‌های جدی تری درباره پایداری به اصول اسلام را در ذهن مردم ایجاد می‌کند.

جامعه اسلامی، به ویژه در عصر حاضر که چالش‌های جمعیتی و تهاجم فرهنگی، بقای آن را تهدید می‌کند، نیازمند قوانینی است که با تغییرات زمانه همگام باشد. زمان آن رسیده که فقه شیعه، با تکیه بر عقلانیت و رحمانیت، بار دیگر اصلاحاتی را جهت حفظ نظام و کرامت انسان اعمال کند. با توجه به آثار مخربی که این عمل دارد، نیاز است تا قانون مربوط به آن مورد بررسی قرار بگیرد تا بازدارندگی خود را مجدد از سر بگیرد و از این همه آسیب و زیان جلوگیری کند. در نهایت با اشاره به آیه ای از سوره رعد مقاله را به پایان می‌رسانیم. "إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ" (تغییر سرنوشت یک ملت، از اصلاح قوانین ناعادلانه آغاز می‌شود)

## ۲-۱۵. بحث و نتیجه‌گیری

پس از گذر از وادی بررسی‌های عمیق و موشکافانه، اکنون به این حقیقت تلخ دست می‌یابیم که فرزندکشی به عنوان زخمی کهنه بر پیکره جامعه اسلامی، از نخستین سال‌های انقلاب تاکنون، نه تنها التیام نیافته، بلکه با نقصان مجازات‌های قانونی، منشا آرامش خیال پدران قاتل بوده است. آیا این همان عدالتی است که شریعت مقدس اسلام، با تأکید بر کرامت انسانی و حفظ نسل، در پی آن بوده؟

قرآن با صراحت در سوره اسراء می فرماید " وَكَأْتَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ "، از طرفی عقل سلیم می پرسد جامعه ای که نتواند از ضعیف ترین شخص (کودک) خود دفاع کند، چگونه می تواند ادعای الگو بودن در جهان اسلام را داشته باشد؟ چگونه می تواند ادعای نفی سلطه کفار داشته باشد؟

شاید عده ای بگویند که خداوند در قرآن فرموده در اسلامی سخت گرفتن جایز نیست و در جایی دیگر بگویند پس رحمت الهی چه می شود؟! لازم به ذکر است که در آیه ۵۷ سوره آل عمران خداوند فرموده است: وَ أَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ (اما آنها که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند، خداوند پاداش آنان را بطور کامل خواهد داد؛ و خداوند، ستمکاران را دوست نمی دارد.) و از طرفی امام باقر علیه السلام فرمود: «ظلم بر سه نوع است: ظلمی که خدا آن را می بخشد؛ ظلمی که خدا آن را نمی بخشد؛ ظلمی که خدا آن را وانمی گذارد: ظلمی که خدا آن را نمی بخشد، شرک آوردن به خداست؛ ظلمی که خدا آن را می بخشد، ظلمی است که انسان آن را میان خود و خدا مرتکب می شود؛ ظلمی که خدا آن را وانمی گذارد، تجاوز به بندگان است؛ همچنین علی علیه السلام فرمود: «بدترین ظلم، ظلم بر ضعیف است»؛ در نتیجه مشخص می شود که کسانی که فرزندان خود را می کشند در زمره چنین اشخاصی هستند و رحمت بر آنان واجب نیست، چه بسا خداوند بخشنده مهربان است.

جعل احکام به وسیله شارع مقدس بر پایه جلب مصلحت و دفع مفسده است. احکام برای انسان جعل میشوند و در جلب مصلحت و دفع مفسده انسان لحاظ میشود؛ بنابراین، جعل احکام شرعی بر پایه جلب مصلحت و دفع مفسده انسانهاست. وقتی تعیین خسارات بازماندگان مقتول عمدی آنها را در ادامه مسیر زندگی کمک میکند، مصلحت مساعدت به آنها را بایسته میکند.

از طرفی مصلحت نظام بیان می دارد که با توجه به تغییر هرم جمعیت به سمت پیری، تهدید امنیت ملی و کاهش نیروی انسانی، همگی زنگ خطری هستند که سکوت در برابر آن ها خیانت به آرمان های انقلاب است. در سمتی دیگر، مقصود از جعل احکام توسط شارع مقدس برپایی مصلحت و دفع مفسده می باشد. زمانی که تعیین خسارات وارده بر بازماندگان مقتول عمدی، آن ها را در ادامه مسیر زندگی، چه از نظر معنوی و چه از نظر مادی، کمک می کند، ایجاد مصلحت مساعدت برای آن ها واجب می گردد.

هرچند مخالفان اصلاح قانون، با استناد به حدیث نبوی «لَا يُقْتَلُ الْوَالِدُ بِالْوَالِدِ» در برابر تغییر ایستاده اند، ولی آیا می توان در برابر انبوه دلایل قرآنی و فقهی، چشم فروبست؟ آیاتی که خون مسلمان را محترم می شمردند (مگر به حق)، قواعدی چون نفی سیل، لَا يَبْطُلُ دَمٌ امْرِيٍّ مُسْلِمٍ، لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ و نیز اصولی چون نفی حرج و تسیب، همگی گواهی می دهند که ترازوی عدالت در این جرم، به سود بازنگری سنگینی می کند. حتی اگر قاعده تراحم را نیز به کار بگیریم، کفه ادله موافقان تغییر، به وضوح بر مخالفان می چربد. در میان این ادله جای اصل مصلحت عمومی نظام نیز خالی است و به صراحت تأکید می کند که حفظ اسلام و نظام جمهوری اسلامی بر همه چیز مقدم است.

اگر بپذیریم که جامعه ای اسلامی می بایست توانایی حفظ نسل آینده، تعادل جمعیتی و امنیت روانی خانواده ها را داشته باشد، آیا می توان با استناد به یک حدیث (هرچند صحیح)، از کنار سقوط جمعیتی، تزلزل کیان خانواده و تهدید آینده امت اسلامی گذشت؟ آیا مصلحت امت که از اصول کلیدی فقه شیعه است، حکم نمی کند که در موارد تعارض بین یک حدیث خاص و مصالح کلان نظام، جانب حفظ نظام و منافع عمومی ترجیح داده شود؟

از سوی دیگر، سوء استفاده از حق ولایت، آن هم در شدیدترین شکل ممکن (سلب حیات فرزندان)، با اصل ۴۰ قانون اساسی که هرگونه سوءاستفاده از حق را منع کرده، تعارض دارد.

اگر مخالفان، با قصاص پدر به کلی مخالفند، حداقل باید شرایط اعدام را از پیچ و خم های غیرعملی خارج کنند تا مجازات، نه تنها بر کاغذ، بلکه در عمل نیز بازدارنده باشد. صرف اینکه در قانون مکتوب باشد ولی عملاً متروک باشد، نمی تواند نتیجه مورد نظر را به ارمغان بیاورد. شرایط حال حاضر نیز از نظر عقلانی حکم می کند تا میزان بازدارندگی قانون شدید تر شود.

مقاومت در برابر این مستندات فقهی و قرآنی (که برخی از آن ها نصّ صریح وحی است) نه تنها عقلانیت را زیر سؤال می برد، بلکه پرسش های جدی تری درباره پابندی به اصول اسلام را در ذهن مردم ایجاد می کند.

جامعه اسلامی، به ویژه در عصر حاضر که چالش های جمعیتی و تهاجم فرهنگی، بقای آن را تهدید می کند، نیازمند قوانینی است که با تغییرات زمانه همگام باشد. زمان آن رسیده که فقه شیعه، با تکیه بر عقلانیت و رحمانیت، بار دیگر اصلاحاتی را جهت حفظ نظام و کرامت انسان اعمال کند. با توجه به آثار مخربی که این عمل دارد، نیاز است تا قانون مربوط به آن مورد بررسی قرار بگیرد تا بازدارندگی خود را مجدد از سر بگیرد و از این همه آسیب و زیان جلوگیری کند. در نهایت با اشاره به آیه ای از سوره رعد مقاله را به پایان می رسانیم. "إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ" (تغییر سرنوشت یک ملت، از اصلاح قوانین ناعادلانه آغاز می شود).

## ۶. منابع و مآخذ

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۷ ق). من لا یحضره الفقیه (ج ۴، ص ۱۰۵: حدیث «لا یحل دم امرئ مسلم...»). جامعه مدرسین.
۲. باندورا، آ. (۱۴۰۰). نظریه یادگیری اجتماعی (ترجمه فرهاد ماهر). رشد
۳. بوشهری، جعفر. (۱۴۰۱). تحولات حقوق کیفری در پرتو مصلحت. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
۴. پروین، س (۱۴۰۰). روانشناسی جنایی. انتشارات سمت
۵. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۱۶ ق). وسائل الشیعه (ج ۲۹). مؤسسه آل البیت
۶. حلی، ابن ادریس (۱۴۱۰ ق). السرائر (ج ۳). مؤسسه نشر اسلامی
۷. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ ق). وسائل الشیعه (ج ۲۹، ص ۹۴، حدیث ۳۵۰۱۲: "قَتَلَ الْوَالِدَ مِنَ الْكَبَائِرِ"). مؤسسه آل البیت.
۸. خامنه ای، سید علی (۱۴۰۲). اجوبه الاستفتائات. دفتر مقام معظم رهبری
۹. سازمان بهزیستی کشور (۱۴۰۲). راهنمای مهارت های فرزندپروری
۱۰. شریعت باقری، محمدجواد (۱۴۰۲). حقوق کودک در نظام های حقوقی اسلامی. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
۱۱. شهید صدر (۱۴۰۸ ق). اقتصادنا (ص ۶۰۳)
۱۲. صادقی فسایی، س.م (۱۴۰۲). خشونت خانگی و پیامدهای کیفری. پژوهشگاه علوم انسانی
۱۳. صادقی فسایی، س.م (۱۴۰۲). جامعه شناسی جرایم خانوادگی. پژوهشگاه علوم انسانی
۱۴. صادقی فسایی، سید محمد. (۱۳۹۹). خشونت خانوادگی در ایران: علل و راهکارها. انتشارات جامعه شناسان
۱۵. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷ ق). المبسوط (ج ۷). المكتبة المرتضوية
۱۶. علامه حلی (۱۴۱۴ ق). تذکره الفقهاء (ج ۹، ص ۲۳۵)
۱۷. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۵۸). اصل ۱۰
۱۸. قانون مجازات اسلامی ایران (۱۳۹۲). مواد ۳۰۲، ۳۰۶ و ۳۰۸. روزنامه رسمی

۱۹. قرآن کریم. (ترجمه فارسی). (۱۴۳۵ ق). سوره روم، آیه ۲۱
۲۰. کاتوزیان، ن. (۱۳۹۸). حقوق خانواده (جلد ۱). انتشارات دانشگاه تهران
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ ق). الکافی (ج ۷، ص ۲۸۱، حدیث ۸ "لا یقتل والد بولد"). دارالحدیث
۲۲. لینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق). الکافی (ج ۶). دار الکتب الاسلامیه
۲۳. محسنی، مرتضی (۱۴۰۱). حقوق بزهدیدگان در نظام کیفری ایران. نشر میزان
۲۴. محقق اردبیلی (۱۴۰۳ ق). مجمع الفائده (ج ۱۲، ص ۳۲۱)
۲۵. محقق داماد، سید مصطفی. (۱۴۰۰). قواعد فقه (بخش جزایی). مرکز نشر علوم اسلامی
۲۶. محقق نائینی، محمدحسین (۱۴۱۷ ق). منیه الطالب (ج ۲، ص ۱۲۳-۱۲۵: شمول قاعده لاضرر نسبت به حقوق عمومی). مؤسسه النشر الاسلامی.
۲۷. مرکز آمار ایران (۱۴۰۲). گزارش تحولات جمعیتی ایران
۲۸. مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۴۰۲). تأثیر امنیت قضایی بر جذب سرمایه‌گذاری
۲۹. مرکز مطالعات استراتژیک ریاست جمهوری (۱۴۰۲). دیپلماسی حقوق بشری ایران
۳۰. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۵). نظریه سیاسی اسلام (ج ۲). مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۰۱). استفتانات جدید (ج ۴). مدرسه امام علی (ع)
۳۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۰). انوار الفقاهه (کتاب القصاص، ص ۲۱۵: تقدم بازدارندگی کیفری بر حقوق فردی). مدرسه امام علی (ع).
۳۳. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۰۰). انوار الفقاهه (کتاب القصاص). مدرسه امام علی بن ابی طالب
۳۴. منتظری، حسینعلی (۱۴۲۷ ق). دراسات فی ولایة الفقیه (ج ۳). نشر سرایی
۳۵. موسوی اردبیلی، عبدالکریم (۱۳۸۹). فقه الحدود والتعزیرات (ص ۴۳۷-۴۴۰). انتشارات دانشگاه تهران
۳۶. موسوی خمینی، سید روح‌الله، (۱۳۹۵). تحریر الوسیله (جلد ۲). مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
۳۷. موسوی خمینی، سید روح‌الله، صحیفه نور، ج ۱۰، (ص ۲۳۱)
۳۸. موسوی خمینی، سید روح‌الله، (۱۳۷۳). کتاب البیع (ج ۲، ص ۶۲۵)
۳۹. نوربها، ر (۱۴۰۲). "بازدارندگی کیفری در جرایم خانوادگی". مجله تحقیقات حقوقی، ۲۵ (۷۸)، ۱۵۰-۱۲۳
۴۰. نوربها، ر (۱۴۰۲). "مسئولیت کیفری والدین در قتل غیر عمد فرزند". مجله حقوق پزشکی، ۱۷ (۴۵)، ۸۹-۱۱۰.
۴۱. نوربها، رضا. (۱۴۰۱). "بازخوانی معافیت پدر از قصاص در پرتو نظریه بازدارندگی". فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۱۳ (۴۷)، ۸۹-۱۱۲.
۴۲. یزدانی، عباس؛ و امینی، محمد. (۱۴۰۰). "تحلیل قاعده لا یقاد الوالد بانه در تعارض با نفی سبیل و لاضرر". فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۱۳ (۴۵)، ۱۲۷-۱۵۰

43. Durkheim, É. (2021). The Rules of Sociological Method

44. Herman, J.L. (2022). Trauma and Recovery. Basic Books

45. UNICEF (2023). Legal Systems and Child Protection

# Jurisprudential and Criminal Analysis of the Possibility of Retaliation (Qisas) Against a Father in Filicide with Reference to the Principle of Public Interest and Its Impact on Deterrence in Iranian Criminal Law

Amin Radman<sup>1</sup>  
Mohammad Mehdi Montazeri\*<sup>2</sup>  
Reza Pourghasemi<sup>3</sup>  
Sepehr Moridpour<sup>4</sup>

Date of Receipt: 2018/00/00 Date of Issue: 2018/00/00

## Abstract

This research adopts a descriptive-analytical approach to examine the challenges of exempting fathers from qisas (retaliation) in cases of filicide under Article 301 of the Islamic Penal Code of Iran. Findings from authoritative sources indicate that the jurisprudential rule "La Yuqad al-Walid bi Ibnih" (a father cannot be retaliated against for killing his child), although based on valid narrations, conflicts with Quranic principles (such as Verse 178 of Surah Al-Baqara), public interest, and Article 6 of the Convention on the Rights of the Child. Additionally, statistical analysis of judicial cases over the past decade reveals a 40% increase in filicide cases in Iran, highlighting the inefficacy of current punishments (diyah [blood money] and ta'zir [discretionary penalties]) in criminal deterrence.

This study seeks to answer the following questions:

1. Is the exemption of fathers from qisas in filicide compatible with the fundamental principles of criminal justice and public interest in modern Iranian society?
2. Can a comprehensive model for reforming Article 301 of the Islamic Penal Code be designed without violating Sharia principles?

To address these questions, the study proposes the "Theory of Balancing Interests", integrating five jurisprudential rules:

1. La Darar wa La Dirar (no harm or counter-harm)
2. Nafy al-Sabil (preventing domination of non-believers)
3. Al-Tazaahum (conflict of interests)
4. Hifz al-Nizam (preservation of social order)
5. Maslahah (public interest)

The research examines three levels—legislative, judicial, and preventive—to reconcile tradition and modernity. The ultimate goal is to provide a reference document for researchers, legislators, and judicial authorities.

## Keywords

Family Law, Filicide, Paternal Retaliation, International Convention on the Rights of the Child, Dynamic Jurisprudence, Public Interest

<sup>1</sup>Faculty Member, Faculty of Law, Ayandegan University, Tonekabon, Iran

<sup>2</sup>M.A. in Law, Faculty of Humanities, Ayandegan University, Tonekabon, Iran

<sup>3</sup>M.A. in Law, Faculty of Humanities, Ayandegan University, Tonekabon, Iran

<sup>4</sup>Bachelor's Student in Law, Faculty of Humanities, Ayandegan University, Tonekabon, Iran